



## اسناد و مصوبات نشست سوم

### «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

مهر ماه ۱۳۸۲

#### بخش اول:

#### گزارش نشست سوم

#### «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

پس از سه سال تلاش در راه اتحاد نیروهای کمونیست و چپ از سوی مجموعه‌ای از نیروها و فعالین کمونیست ایران، سرانجام «نشست مشترک» سوم «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» تشکیل شد.

این نشست پس از یک تدارک سیاسی و با سه روز گفت‌وگو و تلاش مداوم سرانجام توانست به توافق نظرات مشترکی دست یابد و مفاد بیانیه سیاسی، پلتفرم، آیین‌نامه سازمانی، قطعنامه‌هایی در باره اوضاع سیاسی ایران، وضعیت کارگران و زنان و همچنین پیام‌هایی به طبقه کارگر، زنان، دانش‌جویان و جوانان و زندانیان سیاسی ایران را به تصویب برساند و بنای یک نهاد مبارزاتی کمونیستی برای دخالت‌گری کمونیست‌ها در مبارزات همگانی مردم ایران، و تلاش در راه سازمان‌یابی طبقه کارگر ایران را عملاً آغاز کند.

این نهاد مبارزاتی نوین، بنا با آراء شرکت‌کنندگان نشست موسس آن، از این پس به نام «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» خوانده می‌شود و دارای یک «شورای هماهنگی» است که امور مبارزاتی واحدهای خودمختار را در شهرها و کشورهای مختلف هماهنگ می‌کند و به همین منظور یک نشریه سازمان‌ده سیاسی - نظری رو به ایران انتشار می‌دهد. طی سه روز نشست، روحیه همکاری و رفاقت انقلابی بین شرکت‌کنندگان برقرار بود و نشست توانست طی آن با روشی دمکراتیک دستور جلسه خود را مورد بررسی و تصویب قرار دهد.

#### \* روز اول نشست

نشست روز اول، با شرکت هیئت نمایندگی و فعالین «حزب کمونیست ایران»، «حزب رنجبران ایران»، «سازمان فدائیان اقلیت»، «سازمان

بقیه در صفحه ۲

مباحثه با رفیق بابک عضو شورای مرکزی اتحاد انقلابی نیروهای

کمونیست و چپ درباره مصوبات نشست سوم

سرانجام و پس از مدتها انتظار اسناد اتحاد انقلابی منتشر شد و بحث پیرامون آینده این اتحاد، وظایف و مشکلات پیش رو بار دیگر در دستور کار نیروهای عضو این اتحاد قرار گرفت. به همین مناسبت جهان کمونیستی نیز با رفیق «بابک» از کادرهای اتحاد فدائیان کمونیست که عضو شورای هماهنگی اتحاد انقلابی نیز می‌باشد، گفتگویی در این رابطه ترتیب داده است که در زیر ملاحظه میکنید. رفیق بابک، اولین سؤال این است که چرا انتشار این اسناد اینقدر به طول انجامید. آنچنانکه از اعلامیه پایانی نشست برمی‌آید، اسنادی در نشست سوم که در اوایل اکتبر برگزار شد، به تصویب رسیدند، که انتشارشان نزدیک به شش هفته به طول انجامید. آیا این وقفه به دلیل وجود اختلافات در شورای هماهنگی منتخب نشست بود و یا دلایل دیگری داشت؟

ر. بابک: با تشکر از مسؤولین جهان کمونیستی که امکانی را بوجود آوردند تا بتوانیم پیرامون مسایل مربوط به این اتحاد دقیقتر صحبت کنیم. در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که هر چند این سوءذهنیت برای چند تن از رفقا بوجود آمده بود که عدم انتشار بلاوقته اسناد به دلیل اختلافاتی در شورای مرکزی بوده، اما چنین تصویری کاملاً نادرست است. این اسناد در اولین نشست حضوری شورای مرکزی که دقیقاً به منظور بررسی اسناد و تنظیم نهایی آنها برای انتشار تشکیل شده بود، آماده شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. البته این مسأله هم نباید ناگفته بماند که طبیعی است که بین سازمانها و افرادی که از گرایشات مختلف در این اتحاد جمع شده‌اند، اختلاف نظر سر مسایل بسیاری وجود دارد، اما وجود این اختلافات تا به این لحظه مانعی در راه کار ما نبوده و امیدواریم که در آینده هم نباشد.

این مسأله هم نباید ناگفته بماند که دو تن از رفقای عضو شورای

بقیه در صفحه ۱۸

#### در صفحات بعد:

اطلاعیه پایانی نشست نیروها و فعالین کمونیست... صفحه ۱۸

وضعیت نگران‌کننده کارگران بدست چه کسانی حل شدنی است؟ صفحه ۲۱

پیام تبریک بمناسبت اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج صفحه ۲۲

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه اول

اتحاد فدائیان کمونیست))، ((سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران))، ((هسته اقلیت)) و جمع زیادی از فعالین کمونیست برگزار شد.

در ابتدا یکی از اعضای شورای هماهنگی دور پیشین خوش آمد گفت و به یاد مبارزان جانباخته راه آزادی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت اعلام کرد و سپس با گزارش شورای هماهنگی، کار نشست آغاز گشت.

شورای هماهنگی گزارشی ارائه داد که در آن، روند پیشرفت تدارک سیاسی و مباحث و مبارزات ((نشست مشترک)) مورد اشاره قرار گرفته بود. این گزارش به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبارزاتی و همچنین ارائه طرح‌هایی در باره پلاتفرم، آیین نامه، قطعنامه‌ها، نشریه، خبرنامه کارگری، رادیو و راه کارهای پیش برد مباحثات کنگره اشاره داشت.

پس از بحث و بررسی در باره گزارش شورای هماهنگی، اعضای شورا مسئولیت خود را برای تدارک سیاسی نشست سوم پایان یافته دانستند و کنار رفتند تا جای آنان را هیئت رئیسه منتخب جدید برای اداره و پیش برد جلسه بگیرد.

پس از انتخاب هیئت رئیسه جدید، آیین نامه پیش برد مباحث نشست که از سوی شورای هماهنگی پیشین تهیه و پیشنهاد شده بود در کلیت خود مورد تصویب قرار گرفت و مطابق دستور کار آن، بررسی و تصویب موارد زیر آغاز گردید: بیانیه سیاسی و پلاتفرم و آیین نامه سازمانی، قطعنامه‌هایی درباره اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویی و همچنین، پیام‌های سیاسی خطاب به کارگران، زنان، دانش جوانان و جوانان و زندانیان سیاسی ایران و سرانجام بررسی مسایل مربوط به نشریه، خبرنامه کارگری، رادیو و جهت یابی‌ها، سازمان دهی و راه کارهای اداره و انتشار آن‌ها.

**در آیین نامه پیش برد مباحث کنگره، نحوه تصویب مسایل به شرح زیر بود:**

تصویب مسایل محوری و اساسی و استراتژیک اتحاد، مانند بیانیه سیاسی و پلاتفرم، آیین نامه سازمانی و نام اتحاد، با دو سوم آراء و تصویب دیگر مسایل، مانند قطعنامه‌ها و پیام‌ها و انتخاب اعضای شورای هماهنگی با اکثریت مطلق آرا (نصف + یک). در پایان نشست روز اول، پس از مشخص شدن این نکات، کنفرانسی درباره مسایل زنان برگزار شد که طی آن مبحثی با عنوان ((چالشگری جنبش زنان و نقش جنبش چپ)) ارائه شد.

**\* روز دوم نشست**

روز دوم، با بحث در باره بیانیه سیاسی و پلاتفرم آغاز گشت. در این دور از مذاکرات، ۸ طرح پلاتفرم پیشنهادی از سوی نیروها و رفقای فعال که در بولتن مباحثات نیز منتشر شده بود، در دستور کار قرار گرفت.

این طرح‌های پلاتفرمی عبارت بودند از: طرح‌های شورای هماهنگی، حزب کمونیست ایران، حزب رنجبران ایران، و طرح‌های رفیق جابر کلیبی، رفیق جمشید اطیابی، رفیق حسین متین، و رفیق فرهنگ. حزب رنجبران ایران، و رفقا جابر کلیبی، جمشید اطیابی و حسین متین، با توجه به مشابهِت‌های عمومی موجود، طرح‌های شان را پس گرفتند و قرار شد نهایتاً روی سه طرح باقی مانده بحث شود. در ابتدا به هر یک از سه طرح مورد بحث ۲۰ دقیقه وقت دفاع داده شد و بحث عمومی روی آن‌ها آغاز گشت. پس از سه ساعت گفت‌وگو، مطابق آیین نامه پیش برد مباحثات، پیشنهاد هیئت رئیسه آن بود که هر سه طرح به رای گذاشته شود تا هر یک که (اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان را به دست آورد به عنوان طرح پایه مورد بررسی قرار گیرد و پس از بحث بر روی آن، یک کمیسیون ویژه نکات اصلاحی پیشنهادی این طرح و طرح‌های دیگر را در آن وارد کند و نتیجتاً طرح تهیه شده نهایی به رای نشست گذاشته شود.

اما هیئت نمایندگی ((حزب کمونیست ایران)) و ((سازمان اتحاد فدائیان کمونیست)) و تئو چند از رفقای دیگر بر این نظر بودند که کمیسیون مربوطه، بی‌درنگ هر سه طرح را مورد بررسی قرار دهد و از مجموع آن‌ها یک طرح نازده تدوین کند و برای تصویب به نشست ارائه دهد.

این پیشنهاد، پس از یک دور گفت‌وگو مورد پذیرش قرار گرفت و کمیسویی متشکل از رفقا در تدوین طرح‌های پلاتفرمی موجود تشکیل شد و به بحث و بررسی و تدوین یک طرح نازده بر مبنای طرح‌های سه گانه پرداخت.

هم‌زمان با کار کمیسیون پلاتفرم، نشست به بررسی و تصویب موارد دیگر پرداخت و طی ساعات بعد، طرح آیین نامه سازمانی مورد بررسی قرار گرفت.

تنها طرح آیین نامه پیشنهادی موجود که با توجه به همه طرح‌های پیشین از سوی شورای هماهنگی تهیه شده بود، تاکید بر نوعی سازمان دهی افقی داشت که هدفش دست‌یابی به یک فضای برابر و خلاق و دوری از یک ساختار بوروکراتیک بود.

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

دور بعدی گفت و گو و مباحثات به بررسی قطعنامه‌هایی درباره اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری، جنبش مستقل زنان و جنبش دانش جویی اختصاص داشت.

این قطعنامه‌ها نسبت به پلاتفرم و آیین نامه سیاسی با سهولت بیش تری مورد بررسی قرار گرفت و تنها در زمینه قطعنامه مربوط به زنان، بحث‌های اصلاحی چندی به عمل آمد که درون جنبش زنان و شرایط کنونی و نقطه عطف‌ها و جهت گیری‌های آن را بهتر روشن سازد.

این مباحثات، تا ساعت ۱۰ شب ادامه داشت و طی بیش از ۱۴ ساعت گفت و گو، مجموعه قطعنامه‌های پیشنهادی و آیین نامه تشکیلاتی به یک کمیسیون سپرده شد تا با وارد کردن اصلاحات در آن‌ها برای روز بعد آماده و با قرائت نهایی در نشست به تصویب برسد.

## \* روز سوم

در آغاز سومین روز، کمیسیون بیانیه سیاسی و پلاتفرم، طرح خود را ارائه داد و نشست با بحث کوتاهی بر روی آن، ابتدا کلیات را مورد تصویب قرار داد و سپس به گفت و گو درباره مطالبات مشخص و پیشنهادات ارائه شده در آن پرداخت و سرانجام در ساعت ۱۲ کار تصویب بیانیه سیاسی و پلاتفرم با اکثریت قاطع (۹۶ درصد) آراء به پایان رسید.

تکلیف نام‌های پیشنهادی اتحاد نیز، بدون آن که زمان چندانی برای بررسی‌شان باقی مانده باشد با رای گیری روشن شد و در دور اول از میان نام‌های پیشنهاد هیچ کدام دو سوم آراء لازم را به دست نیاوردند. در دور دوم، نام «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» در مقابل «بلوک سوسیالیست‌های انقلابی ایران» اکثریت (۶۴ درصد) آراء را به دست آورد.

آیین نامه سازمانی نیز پس از تدوین کمیسیون، به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت. قطعنامه‌ها نیز پس از باز خوانی به اتفاق آراء تصویب شدند.

سرانجام در ساعت سه بعد از ظهر، با توجه به روشن شدن تکلیف پلاتفرم و آیین نامه سازمانی و قطعنامه‌ها، عضوگیری حاضرین برای تشکیل عملی این اتحاد صورت گرفت تا امکان انتخابات اعضای شورای هماهنگی فراهم شود.

نامزدهای انتخاباتی شورای هماهنگی به صورت داوطلبانه و به شکل پیشنهادی معرفی و پس از رای گیری، ۹ نفر از رفاقی برای مدت یک سال به عنوان اعضای شورای هماهنگی انتخاب شدند تا ضمن تدوین

و جمع بندی و انتشار مصوبات و اسناد کنگره «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، سیاست خود را در امر هماهنگ ساختن امور مبارزاتی روشن سازند، و در امر تشکیل واحدهای «اتحاد» در شهرها و کشورهای مختلف نظارت و راهنمایی کنند و با انتشار یک نشریه سازمان ده، موجبات یک مبارزه سیاسی نظری و سازمان دهی نیروها را فراهم سازند.

## اعضای شورای هماهنگی عبارتند از:

عباس سماکار (منفرد)، نصرت تیمورزاده (منفرد)، فرهاد شعبانی (حزب کمونیست ایران)، پروین نیک آئین (سازمان فدائیان اقلیت)، بابک رحیمی (اتحاد فدائیان کمونیست)، محمد سلطانی (هسته اقلیت)، بهرام رحمانی (حزب کمونیست ایران)، حسین خاورانی (سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران) و اصلان جوادزاده (سازمان فدائیان اقلیت).

سرانجام و پس از انتخاب شورای هماهنگی، بررسی مسایل مربوط به نشریه یا ارگان سیاسی خبری و جهت یابی‌ها، سازمان دهی و راه کارهای انتشار آن در دستور قرار گرفت و طی دو ساعت باقی مانده، یعنی از ساعت ۱۸ تا ۲۰ بر سر طرح ارایه شده از سوی شورای هماهنگی پیشین بحث و بررسی شد. مذاکرات جمع بر این مبنای بود که این ارگان خبری سیاسی و نظری، یک نشریه سازمان دهنده و رو به بیرون است و در راستای سازمان یابی طبقه کارگر، دخالت گری از موضع کارگری در مبارزات عمومی، و سازمان یابی مبارزات در خارج از کشور و همچنین طرح مباحث نظری سوسیالیستی منتشر خواهد شد. دوره انتشار در حال حاضر یک ماهه است و تلاش خواهد شد یک ضمیمه نظری نیز با دوره انتشاری متناسب با نیازها منتشر شود. در پایان، رفاقی به پا خواستند، تولد «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» را به یکدیگر تبریک گفتند و با خواندن سرود انترناسیونال و آرزوی پیروزی در راهی که در پیش گرفته‌اند نشست را به پایان بردند.

شورای هماهنگی «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

(نشست مشترک)

مهر ماه ۱۳۸۲

\*\*\*

بیانیه سیاسی و پلاتفرم

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

اجتماعی هیچ چشم اندازی برای دستیابی به قدرت سیاسی ندارند، دل به دخالت نظامی آمریکا در امور ایران بسته و در تلاش اند که با دامن زدن به توهمات بی پایه و اشاعه روحیه صبر و انتظار، نیروی اعتماد به نفس و اتکا به خود را در توده های به جان آمده مردم خنثی کرده و در غیاب جنبش توده ای و تعرض کارگری، با بند و بست و از بالا به قدرت سیاسی دست یابند. اما جنبش های اعتراضی اجتماعی به طور عام، و جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران به طور ویژه، فضای تنفسی خود را در چنین قفس تنگی ندیده و در واکنشی ناگزیر، دیوارهای محدود آن را در هم شکسته اند. از این رو، مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر ایران در روندی از تجارب مستقیم، زمینه های ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی خود را جست و جو می کند.

بخش های رادیکال جنبش دانش جویی و تحرک جوانان ایران، خطوط کنترل جریان های اسلامی و «اصلاح طلبان» حکومتی را در هم ریخته اند و هیچ «خط قرمزی» را به رسمیت نمی شناسند. زنان جامعه ما، مرزهای توهم به تغییر شرایط اجتماعی خود تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را پشت سر نهاده اند و هر روز لایه های تازه ای از آنان در ابعادی گسترده و بی سابقه به مبارزات رودررو و شکستن بندهای اسارت شان روی می آورند.

مطالبات و مبارزات ملل ساکن ایران برای رفع ستم ملی و جنبش انقلابی مردم کردستان ایران روندی رو به گسترش دارد. پروژه اصلاح طلبان، برای منحرف کردن و کنترل این جنبش های اعتراضی اجتماعی، و غلبه بر آن ها با بن بست روبه رو شده است. «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، در برخورد به این چالش های اجتماعی، جایگاه خود را در میان مبارزات طبقاتی کارگران ایران می یابد. مبارزات ما، در پاسخ انقلابی به شرایط بیان شده، اهداف به هم پیوسته: سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی، برقراری حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان، و تحقق جامعه سوسیالیستی را دنبال می کند.

تحقق این استراتژی، اما، تنها به نیروی آگاهی، تشکل و انقلاب کارگران و توده های ستم دیده و محروم ممکن خواهد بود. حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر آگاه به منافع خود در صحنه سیاسی ایران، می تواند مبارزات زنان، جوانان، ملیت های تحت ستم و همه گروه های اجتماعی آزادی خواه و مترقی را برای رسیدن به خواسته هایشان به جلو سوق دهد.

تحرک سیاسی گسترده ای جامعه ایران را در بر گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی درگیر یک بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق است. این بحران ناشی از ماهیت نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و بحرانی همه جانبه و ساختاری است.

در عین حال، مقاومت اجتماعی و مبارزات توده ای در گستره های گوناگون تداوم دارد و هر روز دامنه و ابعاد تازه ای می یابد. دورنمای تحولات اجتماعی\_سیاسی در ایران نیز، واکنش بلوک بندی های امپریالیستی را فعال تر و چون و چرا در رابطه با آغاز و انجام و سیر این تحولات و کنترل آن ها را به یکی از عرصه های رقابت بلوک بندی های متفاوت امپریالیستی تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی در تلاش است که از طریق نزدیکی به «اتحاد اروپا» و همچنین دادن امتیازهای معینی به امپریالیسم آمریکا، خود را از زیر بار فشارهای سیاست خارجی آمریکا، که به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمود شدیداً میلیتاریستی یافته است، خارج نماید.

در عرصه سیاست داخلی کشمکش های دیپلماتیک دوره اخیر بازتاب چنین موقعیتی ست. جمهوری اسلامی با همه گرایشات و جناح بندی های درونی اش، در تلاش است که با تعدیل در سیاست های خارجی خود را از یک سو و با نمایش چنین تعدیلی در سیاست داخلی، از سوی دیگر، بیش از پیش خود را با ملزومات سیاسی\_اقتصادی سرمایه داری جهانی تطبیق دهد و همچنین، با تداوم سیاست سرکوب، راه را بر هرگونه گشایش انقلابی و آزادی خواهانه در ایران ببندد.

بر زمینه این فضای سیاسی و گسترش دم افزون جنبش های اعتراضی اجتماعی که طبقه کارگر در مرکز آن ها قرار دارد، بلوک بندی های سیاسی تازه ای در صفوف اپوزیسیون رژیم شکل گرفته است و با در حال شکل گیری است:

صفوف جبهه «اصلاح طلبان» حکومتی موسوم به «دوم خرداد» ناتوانی و عجز ماهوی خود را در رابطه با پاسخ به شرایط بیان شده آشکار نموده و در شرف فرو ریختن کامل قرار گرفته است. بر همین مبنای نیروها و گرایشات درونی و حاشیه ای آن، در درون و بیرون مرزهای ایران، دست اندرکار شکل دادن به پروژه های رفرمیستی تازه برای کنترل جنبش های رادیکال اجتماعی، جلوگیری از گسترش اندیشه های سوسیالیستی و مقابله با طرح ضرورت انقلاب برآمده اند.

گروه هایی از اپوزیسیون بورژوازی که از طریق فعال شدن جنبش های

بقیه در صفحه بعد



## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

## ۳\_ تحول در مناسبات اقتصادی

استراتژی طبقه کارگر، لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی و تحقق مناسبات سوسیالیستی است. از این رو، کنگره نمایندگان شوراها با حرکت از نیازها و منافع طبقه کارگر، مسایل و مطالبات زحمتکشان شهر و روستا و توده‌های محروم جامعه و نیز به سوی پیشروی و تعمیق انقلاب، تدابیر و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را اتخاذ و اجرا خواهد کرد.

## ۴\_ اقدامات فوری در رابطه با تغییر وضعیت زنان

لغو فوری همه قوانین و مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسی و تأمین برابری کامل زنان و مردان در حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

مبارزه با همه عقاید و سنت‌های مردسالار و پدرسالار و برنامه‌ریزی ویژه اجتماعی برای برچیدن همه بقایا و آثار جامعه مردسالار از زندگی فردی و اجتماعی زنان.

مقابله با اعمال خشونت علیه زنان و لغو کلیه قوانینی که اسارت و بردگی آنان را در خانواده و جامعه تداوم می‌بخشد.

## ۵\_ اقدامات فوری در رابطه با کودکان و نوجوانان

لغو کار کودک و حل معضل کودکان خیابانی.

ممنوعیت تنبیه فیزیکی و روانی کودکان و لغو همه قوانینی که سوءاستفاده جنسی از کودکان را ممکن می‌سازد و مجازات کسانی که از این امر تخطی می‌کنند.

تأمین کلیه امکانات آموزشی، رفاهی و ورزشی که رشد سالم و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان جامعه را تضمین می‌کند.

## ۶\_ مساله ملی و حقوق ملل ساکن ایران

تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خود، تا جدایی کامل، به عنوان یگانه راه تحقق وحدت آگاهانه و آزاد ملل ساکن ایران.

لغو همه قوانین و مناسباتی که ستم ملی و تداوم آن را ممکن ساخته‌اند و تضمین حقوق برابر برای همه ملل ساکن ایران در مقیاس سراسری.

مبارزه برای تحقق اهداف بالا، در متن جنبش‌های واقعی اجتماعی جریان دارد. از این رو «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، از هر گونه مبارزه آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و هر جنبش برابری‌طلبانه که پیگیرانه خواهان از

سرنوختی جمهوری اسلامی، از نظر ما، از مسیر سازمان‌یابی و آمادگی طبقه کارگر ایران نتایج انقلابی خود را به جا می‌گذارد. از این رو، وظیفه‌ای سنگین بر دوش تمامی نیروها و فعالین کمونیستی که به آرمان‌های سوسیالیستی طبقه کارگر وفا دارند و خواهان تحقق خواسته‌های توده‌ها هستند، قرار دارد.

کمونیست‌ها وظیفه دارند که توطئه‌های ارتجاعی بورژوازی برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش طبقاتی را افشاء کنند و با تقویت جنبش سوسیالیستی، تلاش برای وقوع انقلاب اجتماعی و تحقق خواست‌های عمومی را پی گیرند. مانع عمده در راه انجام وظایف کمونیستی، پراکندگی و تشتت نظری سیاسی‌ست. غلبه بر این پراکندگی و تشتت، کوشش مشترک همه کمونیست‌ها را می‌طلبد.

بدین سان «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، پوشش مشترک فعالیت نیروهایی‌ست که ضمن مرزبندی قاطع با رفرمیسم، بر مبنای توافقات انقلابی بیان شده، تحقق خواسته‌های مشخص زیر را شرط آغاز تغییرات واقعی در وضعیت دردناک کارگران و زحمت‌کشان و توده‌های محروم مردم ایران و پیشروی به سوی تحقق سوسیالیسم می‌دانند:

## ۱\_ تحول در ساختار قدرت سیاسی

انتقال همه قدرت به شوراها و فراخوان کنگره عالی سراسری نمایندگان شوراهای کارگران و زحمتکشان به عنوان عالی‌ترین نهاد قانون‌گذاری و اجرایی جامعه.

## ۲\_ تحول در مناسبات حقوقی سیاسی و مدنی جامعه

تأمین و تضمین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، بیان، نشر و مطبوعات.

آزادی احزاب، اجتماعات، تظاهرات، اعتصابات و حمایت از شکل‌گیری و فعالیت تشکل‌های دموکراتیک توده‌ای و صنفی.

جدایی دین از دولت و نظام آموزشی، لغو مذهب رسمی و آزادی در انتخاب مذهب و یا نداشتن اعتقاد مذهبی

تضمین حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای همه

ساکنین جامعه بدون در نظر گرفتن عقیده، نژاد، جنسیت و ملیت.

لغو کلیه قوانین سرکوبگرانه علیه همجنس‌گرایان و تضمین حقوق فردی و اجتماعی آنان.

لغو مجازات اعدام و اعمال هرگونه شکنجه جسمی و روحی و تضمین حق محاکمه علنی.

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

پیش خواهند برد و از خودمختاری محلی برخوردارند.   
 \_ واحدها ارگان محلی این اتحادند و حداقل در   
 برگیرنده ۳ نفر از فعالین اتحاد در هر محل خواهند بود.

## مجمع عمومی:

\_ مجمع عمومی عالی ترین ارگان این اتحاد است و   
 سالی یک بار تشکیل می شود.   
 \_ مجمع عمومی کارکرد یک ساله را بررسی می کند و   
 سیاست های سال بعد را مشخص می سازد.   
 \_ مجمع عمومی با حضور دو سوم آراء رسمیت می یابد.   
 \_ از واحدهایی که تمامی اعضاء قادر به شرکت در   
 مجمع نیستند، به ازاء هر سه عضو یک نماینده   
 انتخاب می شود.

\_ دعوت و شرکت افرادی که امکان عضویت در یک   
 واحد محلی را ندارند، توسط شورای هماهنگی انجام می شود.

## تبصره:

\_ مجمع عمومی فوق العاده با درخواست نصف به علاوه   
 یک اعضاء و یا دوسوم اعضاء شورای هماهنگی فراخوان   
 داده می شود.

\_ تصویب بیانیه ها، پلتفرم و اساسنامه با دو سوم آراء   
 و در دیگر موارد با نصف به علاوه یک آراء خواهد بود.   
 \_ هر عضو اتحاد می تواند با رای مشورتی در مجمع   
 عمومی شرکت کند.

## تبصره:

\_ جهت شرکت در مجمع عمومی حداقل سه ماه   
 عضویت در این اتحاد الزامی است.

\_ مجمع عمومی با رای مخفی، «شورای هماهنگی» را   
 انتخاب می کند.

## کمیته یا کمیسیون های کاری ویژه:

\_ این کمیته یا کمیسیون ها (مانند کمیسیون کارگری، کمیسیون زنان،   
 کمیسیون جوانان، کمیته فرهنگی و غیره)، می تواند برای پیش برد   
 فعالیت های مشخص با خواست و ابتکار اعضاء «اتحاد»   
 تشکیل شود.

\_ توافق «شورای هماهنگی» برای ایجاد این کمیسیون ها ضروری است.

\_ در این «اتحاد» حق ایجاد فراکسیون به رسمیت   
 شناخته می شود.

بقیه در صفحه بعد

میان برداشتن اشکال مختلف سلطه، تبعیض و نابرابری های طبقاتی،   
 سیاسی، جنسی، ملی و فرهنگی باشد پشتیبانی می کند.   
 موقعیت عینی طبقه کارگر و ماهیت اهداف مبارزاتی این طبقه و اعتبار   
 و ارزش های برابری طلبانه و سوسیالیستی در جامعه ایران، زمینه و   
 بستر مادی حرکت «اتحاد انقلابی» را تشکیل می دهد که بی تردید،   
 دامنه و گستره واقعی آن بسیار فراتر از میزان نمود و   
 فعالیت های سازمانی نیروهای سیاسی شناخته شده موجود است.   
 از این رو، «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» به مثابه   
 یک حرکت کمونیستی و رادیکال و انترناسیونالیستی چشم انداز   
 روشنی را پیش رو دارد.

ما، همه نیروها و افرادی را که جای خود را در این هماهنگی سیاسی   
 و مبارزاتی می بینند، صمیمانه فرامی خوانیم که به جمع ما   
 بپیوندند و از این سنگر انقلابی، نقش شایسته و ضروری خود را   
 در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران ایفا کنند.

## اساسنامه

## «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

## نام:

\_ اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران

## تعریف:

\_ «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، تشکلی   
 است از افراد و نیروهای سیاسی کمونیست و چپ که برای   
 سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت   
 کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران مبارزه   
 می کند.

## عضویت:

\_ هر کس اهداف، مصوبات و ضوابط تشکیلاتی این   
 «اتحاد» را بپذیرد، در راه اهداف آن فعالیت کند، حق   
 عضویت بپردازد و دو عضو «اتحاد» معرف وی باشند،   
 می تواند به عضویت «اتحاد» درآید.   
 \_ حداقل سن عضویت ۱۶ سال می باشد.   
 \_ عضویت در این اتحاد فردی است.

## واحدها:

\_ واحدها فعالیت خود را در چارچوب مصوبات مجمع   
 عمومی و سیاست های سراسری «شورای هماهنگی» به

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

## ((شورای هماهنگی)):

- ((شورای هماهنگی)) ارگانی است که در فاصله دو ((مجمع عمومی)) مسئولیت پیش برد سیاست ها و اجرای مصوبات مجمع عمومی را بر دوش دارد.
- تصمیم گیری در ((شورای هماهنگی)) متکی بر بحث و افناع و در مواردی که توافق همگانی وجود نداشته باشد با دو سوم رای موافق اعضای آن خواهد بود.
- هیچ یک از اعضای اتحاد نمی تواند بیش از دو دوره متوالی عضو ((شورای هماهنگی)) باشد.
- تعداد اعضاء ((شورای هماهنگی)) در حال حاضر ۹ نفر می باشد.
- مسئولیت سازمان دهی و انتشار نشریه بر عهده ((شورای هماهنگی)) است.

## توضیح:

- عضوگیری فعالین داخل کشور مستقیما بر عهده ((شورای هماهنگی)) است.

## بخش دوم:

## قطعنامه درباره چشم انداز تحولات سیاسی

- ۱\_ سرمایه داری در مقیاس جهانی با تضادها و بحران هایی ژرف روبه روست. حدت تضادهای سیستم سرمایه داری از مدت ها پیش به آن مرحله رسیده است که تمام این سیستم را با بحران های مداوم و همه جانبه روبه رو ساخته است.
- این بحران های ژرف بیانگر این واقعیت اند که نظام سرمایه داری بیش از پیش به یک مانع تاریخی تبدیل شده است. بورژوازی جهانی که راه حلی برای بحران مستمر و ساختاری موجود ندارد، با در دستور کار قرار دادن نئولیبرالیسم، کوشیده است با تعرض مداوم به سطح معیشت و حقوق و دستاوردهای کارگران، بار این بحران را بیش از پیش به دوش طبقه کارگر در مقیاس جهانی بیاندازد. لذا سطح معیشت کارگران پیوسته در حال تنزل است. بیکاری ابعاد میلیاردی به خود گرفته است و صدها میلیون تن از مردم جهان به ویژه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین با گرسنگی و مرگ تدریجی روبه رو هستند. با این همه بحران به جای خود باقی است.
- در نتیجه این بحران، تضادهای طبقاتی در مقیاس جهانی تشدید شده است. جنبش طبقاتی کارگران با اعتلا نوبنی روبه رو شده است. مبارزه کارگران در اشکال متعدد وسعت و گسترش یافته است جنبش جهانی

ضد سرمایه داری، ضد امپریالیستی و ضد جهانی سازی موسوم به آنتی گلوبالیزاسیون، به یکی از جنبش های پر قدرت جهانی تبدیل شده است که صدها هزار تن از سراسر جهان در آکسیون های اعتراضی آن شرکت می کنند. با حضور روزافزون اتحادیه های کارگری و احزاب و سازمان های کمونیست در این جنبش، سیمای طبقاتی آن برجسته تر می شود. گرایش روزافزون بورژوازی انحصاری جهان به ارتجاع سیاسی و جنگ، بیان دیگری از بحران های لاینحل سیستم سرمایه داری و پوسیدگی آن است. حقوق سیاسی و آزادی های سیاسی مردم حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری در معرض دستبردهای مداوم قرار گرفته است. تضییقات سیاسی پیوسته در حال افزایش است. رشد نئوفاشیسم و به قدرت رسیدن راست ترین و هارترین احزاب سیاسی در اغلب کشورهای اروپایی و در آمریکا، نشان دهنده تشدید تمایلات بورژوازی به ارتجاع سیاسی است. رشد میلیتاریسم و تمایلات جنگ طلبانه انحصارات بین المللی بیان دیگری از تشدید تناقضات و بحران های نظام سرمایه داری جهانی است. بورژوازی برای نجات خود از بحران، بیش از پیش جنگ را در دستور کار خود قرار داده است تا با کشتار میلیون ها انسان و تخریب نیروهای مولده به مقاصد ضد انسانی خود جامه عمل بپوشاند. تجاوز نظامی آمریکا و انگلیس به عراق و اشغال نظامی این کشور، تنها یک نمونه از جنگ های توسعه طلبانه و اشغالگرانه امپریالیست هاست. به رغم مخالفت افکار عمومی جهان و تظاهرات گسترده ای که در سراسر جهان علیه جنگ و اشغالگری و کشتار صورت گرفت، آمریکا برای پیش برد سیاست های امپریالیستی خود در خاورمیانه، جنگی را برافروخت که تنها نتیجه آن برای توده های زحمتکش مردم عراق، ویرانی این کشور، مرگ، فقر، گرسنگی و اسارت است. بر بستر این بحران ها، تضاد قطب های امپریالیستی و منازعه آن ها بر سر تقسیم مجدد جهان، در یک دور بی انتها در حال تشدید شدن است و خطر برافروخته شدن جنگ های وسیع را بیش تر می کند. این خطر در خاورمیانه هم اکنون به یک واقعیت بالفعل تبدیل شده است. این منطقه از جهات مختلف اقتصادی و سیاسی \_ نظامی و جغرافیایی، به عرصه کشمکش و منازعه قدرت های امپریالیست جهان تبدیل شده است. چرا که این منطقه انبار بزرگ ذخیره نامین انرژی صنایع جهان سرمایه داری و بازار پررونقی برای سرمایه گذاری و فروش کالاهای انحصارات جهانی است. این منطقه که مجموعه ای از تضادهای داخلی و بین المللی در آن به هم گره خورده اند، یکی از کانون های بحران جهانی است.

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

سرکوبگرانه و تحمیل هرچه بیش تر اختناق قرارداد و صدها هزار تن از مردم ایران را به کشتارگاه فرستاد و یا معلول کرد. رژیم با این وحشی گری، اوضاع را تحت کنترل درآورد و موقتا بر بحران سیاسی غلبه کرد. اما تضادها به جای خود باقی ماندند و با تشدید سرکوب و تلفیق کامل دین و دولت و وخامت روزافزون وضعیت مادی کارگران و زحمتکشان تشدید شدند.

بحران اقتصادی استمرار یافت و شرایط زندگی توده زحمتکش مدام وخیم تر شد. از اواسط دهه ۶۰، هنگامی که رفسنجانی در راس قدرت اجرایی قرار گرفت، رژیم تلاش نمود تا با یاری گرفتن از انحصارات جهانی و قدرت های امپریالیست و اجرای برنامه های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همراه به خدمت گرفتن مدیران، متخصصان اقتصادی و تکنوکرات های مجری این برنامه، با تعدیل های محدود در عرصه های سیاسی\_ اجتماعی بحران اقتصادی را حل یا تعدیل کند، اما پس از گذشت ۸ سال از اجرای این برنامه اقتصادی که همراه با تضییقات و فشارهای متعدد به طبقه کارگر، اخراج های گسترده کارگران، بیکاری وسیع، گرانی و نرخ های بالای تورم، تشدید فقر و گرسنگی و تعمیق شکاف میان فقر و ثروت بود، بحران اقتصادی به درجه ای عمق و گسترش یافت که پی آمد آن، رشد اعتراض و مبارزه وسیع تر کارگران و توده های تهیدست و شورش های گرسنگان حاشیه شهرهای بزرگ بود. برنامه رفسنجانی برای حل این بحران با شکست روبه رو شده بود و این نشان داد که:

۱\_ بحران اقتصادی سیستم سرمایه داری در ایران عمیق تر از آن است که در چارچوب نظم موجود حتی تعدیل شود. ثنیا\_ با وجود رونمای سیاسی موجود که تلفیق دین و دولت به یکی از خصوصیات بارز آن تبدیل شده و اختناق و بی حقوقی هولناکی را به مردم تحمیل کرده است، حل این بحران ممکن نیست. ثالثا\_ در شرایطی که کل جهان سرمایه داری با یک بحران ساختاری و مزمن لاینحل روبه روست، حلقه های ضعیف تر سیستم جهانی سرمایه داری نظیر ایران، تحت تاثیر این بحران از امکانات محدودتری برای تعدیل برخوردارند.

۳\_ توام با اعتلا مبارزات کارگران و شورش های تهیدستان و گرسنگان در پی تشدید بحران اقتصادی، بحران سیاسی نیز مجددا آغاز به پیدایش نهاد این بدان معنا بود که سیاست های جمهوری اسلامی در تمام عرصه های اقتصادی\_ اجتماعی و سیاسی با شکست روبه رو شده است و رژیم دیگر نمی تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. با رشد و اعتلا بیش تر مبارزات علنی کارگران و زحمتکشان،

بقیه در صفحه بعد

۲\_ در منطقه خاورمیانه ایران اکنون با یک بحران سیاسی ژرف روبه روست. این بحران که بر بستر یک رشته تضادهای سیاسی و اجتماعی و بحران اقتصادی ساختاری در ایران شکل گرفته است، در اساس منتج از لاینحل ماندن و تشدید تضادهایی است که یک ربع قرن پیش به انقلابی توده ای و سرنگونی رژیم سلطنتی محمدرضا شاه در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید.

این تضادها در همان حال که برخاسته از نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و نیاز به دگرگونی شیوه تولید سرمایه داری بودند، با تضادهایی همراه شدند که برخاسته از بقایای مؤسسات و نهادهای ماقبل سرمایه داری به ویژه در رونمای سیاسی بودند. از این رو مبارزه طبقه کارگر و توده های تهیدست برای دگرگونی نظام سرمایه داری، با مبارزه عمومی توده مردم برای کسب آزادی ها، حقوق دمکراتیک و بهبود شرایط زندگی خود درهم آمیخت و به یک انقلاب و سرنگونی رژیم شاه انجامید.

اما با وجود این که طبقه کارگر ایران و توده های زحمتکش بار این انقلاب را به دوش کشیدند و نقش اصلی را در برپایی اعتصابات، تظاهرات و قیام بر عهده گرفتند، به این علت که طبقه کارگر از سازمان دهی و آگاهی طبقاتی لازم و بالنتیجه استقلال طبقاتی و سیاسی برخوردار نبود، نتوانست رهبری این جنبش را به دست بگیرد و انقلاب را به سرانجام پیروزمندش برساند. بورژوازی از این ضعف جنبش استفاده کرد، ابتکار عمل را مجددا به دست گرفت و رژیم بورژوا\_ مذهبی جمهوری اسلامی جای رژیم سلطنتی را گرفت. جمهوری اسلامی وظیفه ای جز این نداشت که با سرکوب و قهر عریان تمام دست آوردهای کارگران و زحمتکشان و توده وسیع مردم را بازپس بگیرد. ضدانقلاب اما به نام انقلاب، با خشن ترین و ضدانسانی ترین شیوه ها به مقابله با انقلاب برخاست. جنبش کارگری و کمونیستی را سرکوب کرد. حقوق و آزادی های سیاسی مردم از آن ها بازپس گرفته شد و اختناق هولناک را بر ایران حاکم ساخت. مخالفین حکومت در معرض وحشیانه ترین سرکوب، زندان، کشتار و اعدام های گسترده و دسته جمعی قرار گرفتند. زنان از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محروم شدند و سلب حقوق زنان تا آپارتاید جنسی بسط یافت. ملت های تحت ستم، به ویژه مردم تحت ستم کردستان با بیرحمانه ترین سرکوب و کشتار روبه رو کرد. دانشگاه ها به خون کشیده شدند و هزاران دانش جو و استاد مترقی اخراج، صدها تن دستگیر، ده ها تن در همان دانشگاه ها به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی جنگ را وسیله ای در خدمت مقاصد ارتجاعی و



## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

ستم‌گرا نه حاکم را عریان تر ساخت. اعتیاد، فحشا، و خودکشی ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت. و این همه در حالی است که در تمام این سال‌ها طبقه سرمایه‌دار و نمایندگان و کارگزاران اصلی دستگاه دولتی، سرمایه و ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند.

در عرصه سیاسی هم اختناق و سرکوب تشدید شد. معهذ این سرکوب نتوانست مردم را مرعوب نماید. مبارزات وسعت و اعتلا بیش‌تری گرفت. بخش‌های وسیع‌تری از مردم به مبارزات علنی پرداختند. اعتصابات، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و تجمعات کارگران وسعت روزافزونی یافت و کارگران به مبارزه فراکارخانه‌ای روی آوردند. مبارزات کارگری از سطح کارخانه‌ها به سطح خیابان‌ها کشیده شد و در پیوند با مبارزه سایر اقشار زحمتکش اجتماع روز بروز ابعاد گسترده‌تری یافت. زنان نه فقط در جنبش‌های کارگری، دانش‌جویی، جنبش‌های اعتراضی توده‌ای در شهرها نقش فعال‌تری بر عهده گرفتند، بلکه جنبش اعتراضی خود زنان نیز بالفعل تر شد. وسعت گرفتن جنبش‌های اعتراضی توده‌ای در شهرهای مختلف، تظاهرات پی‌درپی جوانان، اعتراضات مستمر دانش‌جویان، اعتصابات و تظاهرات معلمان، همگی حاکی از رشد و اعتلای مبارزات و تشدید بحران سیاسی موجود است.

جمهوری اسلامی و همه جناح‌ها و گروه‌های آن در عمل نشان داده‌اند که هیچ راه حلی برای مهار این بحران ندارند. چشم‌اندازی که در برابر ما گسترده است، ژرف‌تر شدن بحران سیاسی و فرارویی اعتلای جنبش‌های اجتماعی و مبارزات توده‌ای به یک انقلاب سراسری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دگرگونی نظم موجود است. اما این هنوز به این معنا نیست که تلاش‌های ارتجاعی بورژوازی برای بدیل‌سازی در برابر انقلاب و جنبش‌های اعتراضی به پایان رسیده است.

بورژوازی داخلی و بین‌المللی از هم اکنون در تلاش برای علم کردن بدیل‌های دیگری در داخل و در خارج از رژیم برای مهار انقلاب‌اند. آن‌ها تلاش خواهند کرد تا با وعده و وعیدهای جدید، سیر بالنده مبارزات را مهار کنند و نگذارند این مبارزات به اشکال عالی‌تر و به یک انقلاب بیانجامد. مسلم است که آن‌ها هیچ چیز جدیدی برای توده مردم و تحقق مطالبات آن ندارند. آن‌ها نمی‌توانند مطالبات زنان را بپذیرند. آن‌ها مرتجع‌تر از آن هستند که حتی مطالبات فوری کارگران را عملی سازند، آن‌ها نمی‌توانند رفاه و یک زندگی در شان انسان را برای توده‌های مردم زحمتکش تأمین کنند. آن‌ها در عرصه اقتصادی چیزی فراتر از آنچه هم اکنون خاتمی در حال اجرای

زنان و دانش‌جویان این حقیقت آشکار شد که مردم دیگر نمی‌خواهند وضع موجود را تحمل کنند.

شکست سیاست‌های رژیم و گسترش مبارزات توده‌ای، به تناقضات و شکاف‌های نوینی در درون هیات حاکمه انجامید. بحران سیاسی عمیق‌تر و ژرف‌تر شد. جریان موسوم به دوم خرداد، بدیل بورژوازی برای مهار این بحران، کنترل جنبش‌های اجتماعی و سد کردن راه انقلاب، از طریق حک و اصلاح در رهنمای سیاسی، دادن امتیازات ناچیز به مردم، تطبیق بیش‌تر سیاسی و اقتصادی با سیاست‌های انحصارات و قدرت‌های امپریالیستی و بسط پایه طبقاتی رژیم بود. بخش‌های وسیعی از اپوزیسیون بورژوازی و گروهی از روشنفکرانی که برای حفظ نظم موجود، پشت سر خاتمی و جبهه موسوم به دوم خرداد قرار گرفته و به همراه بورژوازی بین‌المللی به حمایت و پشتیبانی از برنامه وی برخاستند، توهم پراکنی گسترده‌ای را در مورد اصلاحات، آزادی، جامعه مدنی، و بهبود اوضاع معیشتی مردم در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی سازمان دادند. در آغاز بخش وسیعی از مردم تحت تأثیر این توهمات قرار گرفتند. اما چندان نگذشت که این توهمات به سرعت فرو ریخت. هیچ‌یک از وعده‌های داده شده عملی نشد و پروژه باصطلاح اصلاحات با شکست روبه‌رو گردید.

این شکست بار دیگر این حقیقت را بر ملا کرد که تضادهای موجود، راه حلی در محدوده نظم کنونی ندارند و راه حل خود را فراتر از نظم موجود و خارج از آن می‌طلبند. علت اصلی شکست همین بود. از سویی مطالبات توده مردم بسی فراتر از آن بود که حک و اصلاح و امتیاز ناچیز بتواند جواب‌گوی آن باشد. لذا مبارزات مردم، ((اصلاح‌طلبان)) حکومتی را به عقب راند و از دیگر سو، هراسی که این مبارزات در میان هیات حاکمه انداخت، جناح دیگر هیات حاکمه را به سدی بر سر راه پیش‌برد برنامه جبهه دوم خرداد تبدیل کرد. بهبود اوضاع وعده داده شده بود، اما وضع وخیم‌تر شد. بحران اقتصادی نه تنها حل نشد، بلکه تنها نتیجه ((اصلاحات)) خاتمی در عرصه اقتصادی که در واقع ادامه همان سیاست‌های رفسنجانی بود، فاجعه‌بارتر شدن وضعیت مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان، تنزل هولناک سطح معیشت آنان، اخراج صدها هزار کارگر، سلب اغلب حقوق و مزایایی که در مبارزات به دست آورده بودند، به تعویق افتادن مداوم دستمزدها، و محروم ساختن متجاوز از دو سوم کارگران حتی از حقوقی بود که در قانون کار خود رژیم به رسمیت شناخته شده بود. فقر، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. میلیون‌ها تن بر تعداد بیکاران افزوده شد. کار کودکان، و پدیده کودکان خیابانی چهره نظام

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

- ۴\_ دفاع از مطالبات دمکراتیک، رفاهی و آزادی خواهانه عمومی توده مردم از موضع طبقه کارگر؛
- ۵\_ افشای تمام تلاش های ارتجاعی و آلترناتیوهای بورژوازی اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و برملا کردن محتوای واقعی وعده های اصلاحی آنان؛
- ۶\_ تبلیغ و ترویج وسیع این نگرش در میان گسترده ترین بخش توده های کارگر و زحمتکش که بدون سرنگونی بورژوازی و دگرگونی نظم اقتصادی\_اجتماعی سرمایه داری، تحقق اساسی ترین خواست های آنان امکان پذیر نیست.

## قطعنامه درباره جنبش زنان

نظر به این که:

- \_ در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، زنان به قربانیان بلاواسطه سیاست ها و تفکرات عقب مانده، زن ستیز و مردسالارانه حاکم بر جامعه تبدیل شده اند؛

- \_ رژیم جمهوری اسلامی، با اجرای فرامین مذهبی زن را از مقام یک انسان صاحب اختیار در امور زندگی خویش، به ابزاری برای تحکیم سلطه و ارضای نیازهای مردان تنزل داده است؛

- \_ مساله ستم جنسی تنها مربوط به ایران و تفکر مذهبی نیست. سرمایه داری در تمام جهان با انطباق خود با ساختارهای مردسالارانه، دید ابزاری نسبت به زن را ترویج کرده و از پورنوگرافی، فحشا و...، ((صنعت)) ساخته و با استثمار ۵۵۵ جانبدار زنان در این ((صنایع)) ثروت های نجومی برای صاحبان و گردانندگان اش به بار آورده است؛

- \_ در تولید سرمایه داری، زنان به واسطه فرودست بودن یا اصلا حقوقی دریافت نمی کنند و یا از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. در آن دسته از رشته های تولید نیز که عموماً با نیروی کار زنان اداره می شود، به طور عموم از امکانات رفاهی، حقوقی و صنفی کم تری برخوردارند؛

- \_ در تقابل با این استثمار مضاعف، تفکر سوسیالیستی در عرصه جهانی به این نکته تاکید کرده است که ستم جنسی یکی از اجزای

بقیه در صفحه بعد

آن است، و این همه فلاکت و فقر و بدبختی به بار آورده است، در چنته ندارند.

۴\_ با این چشم انداز که جنبش کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان اعتلا می یابد و بحران عمیق تر می شود، وظیفه ای که در برابر ما قرار گرفته است، تلاش و مبارزه برای ارتقا هر چه بیش تر سطح مبارزه توده ای و اعتلای آن، رادیکالیزه شدن جنبش های اجتماعی، سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری، و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران است.

## برای تحقق این اهداف وظایف زیر را در دستور کار خود قرار

می دهیم:

- ۱\_ دفاع از استقلال طبقاتی کارگران؛
- ۲\_ تلاش سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی به منظور تقویت و تحکیم موقعیت طبقه کارگر در جنبش همگانی؛
- ۳\_ تلاش برای سازمان دهی طبقه کارگر و تامین همبستگی این طبقه بر مبارزات اجتماعی؛



نشریه رنگی که ل ارگان کمیته ایالتی کردستان سازمان به زبان کردی منتشر شد.

نشریه دان اولدوزو ارگان کمیته ایالتی آذربایجان سازمان به زبان ترکی آذری منتشر شد.

برای دریافت نشریات فوق به سایت سازمان در شبکه اینترنت مراجعه

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

جدایی ناپذیر نظم سرمایه داری بوده و مبارزه برای رفع ستم طبقاتی و مبارزه برای رفع ستم جنسی آن چنان در هم تنیده شده که پیش برد هیچ یک بدون دیگری ممکن نیست؛

با آغاز اولین حرکت‌های سوسیالیستی در ایران، فعالین این جنبش با فرهنگ مردسالار و خرافات زن ستیز مذهبی که نیمه از جامعه را به انقیاد کشیده است به مبارزه برخاستند؛ جنبش چپ در ایران در دوره‌هایی از حیات قریب به یک قرن خود توانسته است شایسته‌ترین چهره‌های سیاسی- اجتماعی زن را به جامعه ارائه دهد؛

اما به دلیل نبود انسجام فکری لازم در زمینه پیوند دو جانبه جنبش زنان و جنبش کارگری به مثابه دو محور لاینفک مبارزه با ستم اجتماعی در دوره‌هایی چپ ایران نتوانسته است رسالت خود را در قبال جنبش زنان پیش برد و در نتیجه، به ویژه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، میان جنبش چپ ایران و جنبش سیاسی برای کسب حقوق زنان شکاف جدی افتاد؛

از این رو:

جنبش چپ و کمونیستی ایران، موظف است پیوند اساسی و منطقی بین مبارزه برای رفع اشکال مختلف ستم ایجاد کرده، با تاکید بر این که سوسیالیسم موظف به پاسخ قطعی به مساله زنان و ستم جنسی است، به مبارزه با انعکاس فرهنگ مردسالاری در درون جنبش کارگری بپردازد و به طور هم‌زمان سازمان دهی زنان سوسیالیست درون جنبش زنان را تقویت کند. اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست ایران فصل مشترک جنبش کارگری و جنبش زنان را حول خواسته‌های زیر سازمان می‌دهد:

- ۱- جدایی کامل دین از دولت و کوتاه کردن دست ارگان‌های مذهبی و سلطه تفکرات مذهبی از زندگی زنان؛
- ۲- برسمیت شناختن حق زنان برای کنترل جنسیت خویش، انتخاب شریک زندگی، کنترل بارداری، انتخاب شغل و انتخاب آزادانه پوشش؛
- ۳- لغو فوری همه قوانین و مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسی و تامین برابری کامل زنان و مردان در حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛

۴- مبارزه با همه عقاید و سنت‌های مردسالار و پدرسالار و برنامه‌ریزی ویژه اجتماعی برای برچیدن همه آثار و بقایای جامعه مردسالار از زندگی فردی و اجتماعی زنان؛

۵- مقابله با اعمال خشونت علیه زنان و لغو کلیه قوانینی که اسارت و بردگی زنان را در جامعه و خانواده تداوم می‌بخشد.

\*\*\*

## قطعنامه در رابطه با جنبش کارگری

نظر به این که:

بحران حاکم بر اقتصاد جامعه، تأثیرات بلافصلی بر شرایط کار و زیست طبقه کارگر ایران برجای گذارده است، سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی که طبقه حاکم به تبع بورژوازی جهانی برای مقابله با بحران در پیش گرفته است، به تشدید استثمار و بیکارسازی‌های گسترده انجامیده و عدم امنیت شغلی کارگران شاغل را دامن زده است. سطح دستمزدها در قیاس با نرخ تورم مداوماً سقوط کرده و سطح معیشت کارگران به طور مطلق کاهش یافته است، بخش اعظم کارگران در فقر مطلق بسر می‌برند، فقر و بیکاری توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش، تلفیق دین و دولت، سرکوب و اختناق سیاسی به رشد بی‌سابقه مصائب اجتماعی انجامیده است. مصائبی از قبیل اعتیاد، فحشا، و خودکشی در اثر فقر، و عدم اعتماد به آینده، در ابعاد بی‌سابقه و تکان دهنده ای افزایش یافته‌اند.

نظر به این که:

پایین بودن سطح دستمزدها، بیکارسازی‌ها، بستن کارخانه‌ها، اخراج‌های دسته‌جمعی، و در یک کلام سرشکن کردن بار بحران بر دوش کارگران، مقاومت و مبارزه را در میان کارگران بخش‌های مختلف اقتصاد و در مناطق مختلف کشور دامن زده است، طبقه کارگر اگر چه از حق تشکل، حق اعتصاب و تظاهرات محروم است، اما کارگران برای طرح خواسته‌هایشان و بیان اعتراض خود به این شرایط تحمیلی، ماهانه ده‌ها حرکت مبارزاتی برگزار می‌کنند. مبارزات طبقه کارگر در مرحله کنونی گرچه هنوز در وجه عمده به اعتراضات خودانگیخته که عموماً جنبه دفاعی دارند، محدود می‌شود اما در عین حال پیچیدگی مبارزه طبقه کارگر را در یک جامعه سرمایه داری که با سیاست سرکوب عربان و خشن اداره می‌شود، بازتاب می‌دهد، طبقه کارگر به ویژه طی سال‌های اخیر با به کارگیری اشکال بس متنوع مبارزاتی از قبیل اعتصاب، تحصن،

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

مطالبات دمکراتیک توده مردم تحقق خواهد یافت؟ آیا انقلاب آتی به این هدف دست می‌یابد که یک بار برای همیشه دولت را از چنگ دین رها سازد و خرافات مذهبی را به زباله دان تاریخ بسپرد؟ آیا انقلاب آتی قادر است حقوق زنان را به شکلی قاطع و رادیکال تضمین کند و با تمام قوانین و مقررات قانونی و عرفی زن ستیز تعیین تکلیف نماید؟ آیا انقلاب آتی سرانجام خواهد توانست عطش میلیون‌ها انسان تحت ستم به آزادی، و بهره‌مند بودن از یک زندگی انسانی را با پاسخ‌گویی به این نیازها فرونشاند؟ آیا سوسیالیسم بر ویرانه نظم موجود برقرار خواهد شد؟ و تحقق این مطالبات تنها و تنها به این مساله بستگی دارد که طبقه کارگر با چه میزانی از آمادگی در انقلاب شرکت نماید، چگونه سیاست مستقل خود را در تمایز با تمام اقشار و طبقات دیگر که هریک به نحوی با جامعه موجود پیوند دارند و به درجاتی خواهان حفظ نهادها و موسسات عقب‌مانده و ارتجاعی اند، پیش برد.

لذا اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران: دفاع از مطالبات و مبارزات و اهداف طبقه کارگر را در سرلوحه و وظائف خود قرار می‌دهد، برای استقرار شوراهای کارگران و زحمتکشان و تحقق شعار حکومت کارگری مبارزه می‌کند، با اتکا به مبارزه مستقل کارگری، و تاکید بر سیاست مستقل طبقه کارگر برای شکل‌دهی به صف مستقل این طبقه در برابر تمامی اقشار و طبقات دیگر تلاش می‌کند.

از این رو:

۱\_ ما هرگونه تلاش جریان‌ات رفرمیست را که می‌کوشند مبارزه طبقه کارگر را به دایره مناسبات موجود محدود سازند، قاطعانه افشا و رد می‌کنیم.

۲\_ ما از مبارزات روزمره کارگران که برای بهبود شرایط کار و معاش‌شان صورت می‌گیرد، پیگیرانه حمایت می‌کنیم. طبقه کارگر می‌بایست در مبارزات روزمره خود به هر میزان که در توان دارد، طبقه سرمایه‌دار را به عقب بنشاند و از شرایط مساعدی که ایجاد می‌کند، برای تنفس، برای تمدید قوا و در جهت بهبود موقعیت و سازمان‌دهی خویش استفاده نماید. اما ما در همان حال رفرمیسم را که تلاش دارد کارگران را با این دستاوردهای کوچک دل‌مشغول دارد و افق طبقاتی مبارزه کارگران را کور کند و مبارزه آنان را در چهارچوب نظم استثمارگرانه موجود محدود نماید، قاطعانه افشا خواهیم کرد.

بقیه در صفحه بعد

تظاهرات، راهپیمایی در خیابان‌ها، بستن جاده‌ها، و تجمع در مقابل مراکز دولتی، محدودیت‌ها و نیاپندهای قانونی را پشت سر گذارده است. کارگران با مبارزات آشکار خود در عمل حق اعتصاب، اعتراض، تظاهرات و راهپیمایی را به کف آورده‌اند و به این مفهوم، طبقه کارگر همچنان که برای کسب مطالبات روزمره و رفاهی خود مبارزه می‌کند، پیش‌قراول مبارزه در راه کسب آزادی‌های سیاسی نیز هست. و از این رو، اعتراضات طبقه کارگر در سطح تاکنونی نیز نه فقط به لحاظ نقش این مبارزات در آموزش، تشکل و آمادگی طبقه کارگر برای رویارویی‌های بزرگ با طبقه بورژوا، حائز اهمیت بسیار است، بلکه به لحاظ تأثیر آن بر دمکراتیزه کردن فضای سیاسی و رادیکالیزه کردن مبارزات سایر اقشار جامعه، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

نظر به این‌که:

حاکمیت خفقان و سرکوب در ایران نبود آزادی‌های سیاسی در ایران، تأثیرات مخرب خود را بر سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر برجای گذاشته است و این طبقه علی‌رغم مخالفت و مبارزه با نظم موجود از آگاهی و تشکل کافی بهره‌مند نیست، و فاقد تشکل‌های طبقاتی است.

نظر به این‌که:

با تشدید مبارزه طبقه کارگر علیه نظم موجود، طبقه حاکم نیز تمامی تلاش خود را برای سترون کردن این مبارزات به کار خواهد گرفت، با استفاده از اشکال بسیار متنوع و بس پیچیده می‌کوشد شعارهای کارگری را از روح انقلابی آن تهی سازد، و مرز میان مبارزات مستقل طبقه کارگر با شعارهای انحرافی و دیکته شده نهادهای بوروکراتیک و ارتجاعی به اصطلاح کارگری را در هم بریزد، اگر سلطنت‌طلبان، ((اصلاح‌طلبان)) اسلامی، و جمهوریخواهان با طرح شعارهایی در حوزه آزادی‌های مدنی این توهم را اشاعه می‌دهند که در چهارچوب نظام موجود می‌توان به این خواست‌های دمکراتیک دست یافت، در سطح جنبش کارگری با طرح سر و دم بریده برخی مطالبات کارگری تلاش دارند مبارزه کارگران را به چهارچوب نظم موجود محدود کنند.

نظر به این‌که:

سرنوشت انقلاب پیش‌رو به میزان آگاهی و سازمان‌یافتگی طبقه کارگر گره خورده است، و مساله تنها تحقق مطالبات خود طبقه کارگر نیست، بلکه پاسخ به این سوال نیز هست که چه میزان از



## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

۳- تجربه مبارزات چند سال اخیر کارگران بهترین گواه این امر است که هر جا مبارزه‌ای جدی سازمان دهی شده، نقش اصلی را کارگران پیشرو و محافل متشکل آنان بر عهده داشته‌اند، و شوراها و انجمن‌های اسلامی و خانه کارگر در پوشش حمایت از مطالبات کارگران، تلاش کرده‌اند این مبارزات را محدود کرده و به مسیر دل خواه خویش بکشانند، و در چانه‌زنی‌های جناح‌های درونی رژیم از آن بهره بگیرند. ما، پیشروان کارگری، را فرا می‌خوانیم با درایت تلاش‌های عوامل بورژوازی در جنبش کارگری را که می‌کوشند این جنبش را عقیم بگذارند، خنثی نمایند و با تاکید بر تجارب عینی مبارزات طبقه کارگر، این حقیقت را به کارگران نشان دهند که هر دستاورد طبقه کارگر، نتیجه مبارزه متشکل و مستقل این طبقه است و لاغیر.

ما از تشکل‌های کارگری که از پائین و به ابتکار خود کارگران ایجاد شده باشند دفاع می‌کنیم و تشکل‌های ارتجاعی- بوروکراتیک دولتی را قاطعانه مردود می‌شماریم.

\*\*\*

## بخش سوم:

پیام به زنان مبارز ایران  
زنان مبارز و آزادی خواه!

سومین نشست نیروهای کمونیست و چپ ایران، در اواسط سال ۱۳۸۲، در حالی برگزار گردید که جامعه ایران، دوره بسیار حساس و سرنوشت‌سازی را از سر می‌گذراند. اعتراض کارگران، جوانان، دانش‌جویان، معلمان و شما زنان آزادی خواه و برابری طلب برای رهایی از نکتب جمهوری اسلامی در حال رشد و گسترش است. ستم‌گشی زنان، یک مساله تاریخی و جهانی است. زنان قرن هاست که در همه جوامع، در موقعیت فرودست قرار دارند. البته شدت و ضعف این فرودستی به شرایط مشخص هر جامعه، سطح رشد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نفوذ مذهب و سنن و آداب رایج در جامعه، به پیشرفت جنبش کارگری، نقش نیروهای آگاه، و به ویژه به سطح مبارزه متشکل زنان برای رهایی بستگی دارد. از این رو شرایط زیست و زندگی زنان و ستم‌گشی آنان در کشورهای آفریقایی و آسیایی، بسیار دردناک‌تر است.

در این میان محدودیت‌ها و فشارهایی که در کشورهایی نظیر ایران، حاکمیت مذهبی، به زور سرنیزه قوانین و سیاست‌های قرون وسطایی‌اش را در همه شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی، به جامعه و به ویژه شما تحمیل می‌کند، غیرقابل تحمل و وحشیانه است. زیرا در همه ادیان و به خصوص در نزد افکار پوسیده اسلامی سردمداران جمهوری اسلامی، زن به عنوان یک انسان مستقل و صاحب وجود خویش به رسمیت شناخته نمی‌شود. سردمداران جمهوری اسلامی، با اتکا به قوانین اسلامی، شما را نصف انسان می‌نامند و وادار می‌سازند، بدون چون و چرا از «اوامر» مرد، به عنوان رئیس خانواده تبعیت کنید. این رژیم، حتا به دختران خرد سال نیز رحم نمی‌کند و والدین مسلمان را تشویق می‌کند، کودک خردسال خود را شوهر دهند؛ چنین عملی تجاوز آشکار به جسم و روان کودک است. علاوه بر همه این وحشی‌گری‌ها دختران «باکره» که به اعدام محکوم می‌شوند قبل از اعدام نخست تحت موازین اسلامی مورد تجاوز زندان بانان، شکنجه‌گران و پاسداران رژیم قرار می‌گیرند و سپس به جوخه اعدام سپرده می‌شوند.

## زنان مبارز!

در حالی که فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف و تشکل‌های مستقل کارگری در ایران ممنوع است؛ با وجود این که اختناق و تهدید و ترور بر جامعه ایران حاکم فرماست؛ با وجود این که علاوه بر نیروهای رسمی انتظامی، فرقه‌های سرکوبگر غیررسمی مختلفی مانند انصار حزب‌الله، امر به معروف و نهی از منکر، خواهران زینب، و هزاران قداره‌بند حزب‌الهی در خیابان‌ها و تجمعات، زنان و دختران را مورد تحقیر و دشنام قرار می‌دهند و سرانجام با وجود سرکوب‌های غیرانسانی، شکنجه و اعدام شما زنان مبارز و آزادی خواه و برابری طلب، هرگز مرعوب این رژیم جانی و آدم‌کش نشده و هم‌چنان به مبارزه و مقاومت خود در مقابل جنایات و ستم‌های رژیم جمهوری اسلامی ادامه می‌دهید. قوانین اسلامی ضدزن جمهوری اسلامی و سرکوب سیستماتیک زنان، سبب شده است که گرایش مردسالاری بیش از پیش تقویت شده و شوهران، پدران و برادران ناموس‌پرست مذهبی و مردسالار، حتا از آزادی عمل کشتن زنان نیز برخوردار شوند، بدون این که تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

از سوی دیگر زندگی زنان خانه‌دار و کارگر، به مراتب فلاکت‌بارتر و غیرقابل تحمل‌تر است. زنان خانه‌دار که کارهای سخت و طاقت‌فرسای خانه را انجام می‌دهند از هیچ‌گونه حقوقی برخوردار نیستند. کارگران زن، در محیط کار، علاوه بر تبعیض و نابرابری،

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

نه تنها به کارهای سخت وادار می شوند، بلکه دستمزد ناچیزی نیز دارند.

کلیه دم و دستگاه جمهوری اسلامی، در ۲۵ سال گذشته سعی کرده اند تا از دخالت زنان در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جلوگیری به عمل آورند، اما شما زنان، با مبارزه و مقاومت خود بسیاری از سیاست‌های آنان را نقش بر آب کرده‌اید. شما، علیه همه این تضییقات و وحشی‌گری‌های رژیم و برای دستیابی به جایگاه شایسته انسانی و اجتماعی خود، دست از مبارزه نکشیده‌اید.

بدین ترتیب شما زنان در همه نقاط دنیا، به ویژه در ایران مورد تهاجم، تحقیر، توهین، تجاوز و مورد ستم جنسی و طبقاتی قرار می‌گیرید؛ از تحصیل محروم می‌گردید؛ از بهداشت لازم برخوردار نمی‌شوید؛ حق انتخاب آزادانه شریک زندگی خود را ندارید و مجبور به ازدواج‌های اجباری می‌گردید؛ به زاینده مردان تبدیل می‌شوید؛ مورد آزار و اذیت و اهانت قرار می‌گیرید؛ قربانیان اولیه جنگ‌های خانمان سوز هستید و مورد تجاوز قرار می‌گیرید؛ در زندان‌ها مورد تجاوز زندانبانان قرار می‌گیرید؛ شهروند درجه دوم محسوب می‌شوید؛ بیش‌ترین قربانیان بیماری‌های ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی هستید؛ به کارهای طاقت‌فرسای خانگی، مشاغل غیررسمی، موقتی و سخت گمارده می‌شوید و دستمزدتان در مقابل کار برابر نسبت به همکاران مرد، بسیار کم‌تر است؛ اولین قربانیان بیکارسازی‌ها هستید؛ در کشورهایی نظیر ایران، حتا از آزادی پوشش نیز محرومید... در یک کلام، از پایه‌ای‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق انسانی محروم هستید و این محرومیت و بی‌حقوقی‌ها در سیستم‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی حدود و ثغوری ندارد.

در چنین وضعیتی مبارزات رهایی‌بخش شما، برای خاتمه دادن به این ستم‌کشی‌ها باید افق طبقاتی فراگیر و جهان‌شمول داشته باشد تا به اهداف انسانی و اجتماعی و برابری طلبانه خود دست پیدا کند.

## رفقای زن!

مسلم‌ها هیچ انقلابی بدون دخالت و حضور مستقیم زنان به ثمر نمی‌رسد. شما قدرت عظیم اجتماعی خود را در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب ۱۳۵۷ ایران و... نشان داده‌اید.

بنابراین بسیار مهم و حائز اهمیت است که جنبش خود را با جنبش کارگری پیوند دهید و در صفوف مقدم جنبش طبقاتی قرار

گیرید.

شما زنان پیشرو، انقلابی، برابری‌طلب، آزادی‌خواه، چپ و کمونیست، دوش به دوش مردان هم‌رزم و هم‌طبقه‌ای خود با انقلاب اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون خواهید کرد و با برپایی حکومت کارگری، دوران جدیدی را در تاریخ ایران خواهید گشود. با در نظر گرفتن موقعیت متحول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، و با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی زنان، سومین نشست نیروهای کمونیست و چپ، مبارزه زنان را برای رهایی جامعه از یوغ و ستم سرمایه‌داری و رژیم کرد. ارتجاعی جمهوری اسلامی، امری مهم، اجتماعی و ضروری دانست و بر تقویت همه جانبه این جنبش تاکید

\*\*\*

## پیام به جوانان و دانش‌جویان آزادی‌خواه

شما جوانان و دانش‌جویان، همواره به مبارزه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی، در سنگر مبارزه برای تحقق آزادی و برابری ادامه می‌دهید. چرا که مبارز علیه زورگویی و ستم و استثمار این رژیم، تنها راه رهایی و راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های انسانی و رسیدن به جامعه‌ای آزاد و برابر و به ویژه برخورداری از روابط و مناسبات بهتر و انسانی‌تر برای بارور کردن خلاقیت‌های انسانی است.

اکثریت جوانان و دانش‌جویان کشور، بدون در نظر گرفتن موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، حق طبیعی‌شان است که از تحصیل بهداشت رایگان برخوردار گردند. اما در اثر عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی، صدها هزار کودک، به جای این که راهی مدرسه شوند و از یک زندگی شاد و شایسته انسان برخوردار باشند، به کارهای سخت و خطرناک وادار شده‌اند. میلیون‌ها جوان تحصیل کرده بیکار هستند. آنان با توجه به شرایط موجود، چندان امیدی به پیدا کردن شغل و زندگی مستقل در حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند. در حالی که اقلیتی از فرزندان سرمایه‌داران و نزدیکان سردمداران رژیم و «فرزندان‌شان» در ثروت‌های بادآورده در ناز و نعمت می‌لولند. بنابراین تلاش نیروی جان و پرانرژی برای تغییر شرایط موجود بسیار مهم و حائز اهمیت است.

رژیم جمهوری اسلامی در چنین شرایطی، حرکت‌های اعتراضی جوانان

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

اساسی، تاریخی و اجتماعی که در جهت رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های جوانان برای ساختن یک جامعه انسانی، آزاد، برابر، شاد و مرفه گام بردارد، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و شورای کارگران و زحمتکشان است. در این راه بکوشیم.

\*\*\*

## پیام به زندانیان سیاسی

## رفقای انقلابی، دوستان مبارز!

سومین اجلاس ما، در شرایطی برگزار گردید که رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی به انزوا کشیده شده است. مبارزات اجتماعی کارگران و زحمتکشان، جوانان، زنان، دانش‌جویان و روشنفکران هر روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و تمایل به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری اجتماعی بیش از پیش به جلو صحنه کشیده شده و به خواست عمومی مردم بدل گردیده است. (اصلاح طلبان) حکومتی که تاکنون کوشیده‌اند بر پیش روی جنبش‌های انقلابی مردم لگام زده و این مبارزات را در چهارچوب حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی محدود و محصور سازند، اکنون تماما نزد مردم بی‌اعتبار گشته و ماهیت دروغین شعارهای فریب‌کارانه آن‌ها و ماهیت دروغین شعارهای فریب‌کارانه آن‌ها بر همگان آشکار گردیده است. افزون بر این، با افشا شدن نقش کارگزاران موثر رژیم در جنایات دو دهه اخیر در سطح داخلی و بین‌المللی، اکنون این رژیم تحت فشارهای جدی سیاسی و اقتصادی از سوی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است.

بر چنین زمینه‌ای از انزوای بین‌المللی و توسعه و تعمیق مبارزات اجتماعی در داخل، که بازتاب امواج آن را در خیزش‌های گسترده مردمی ماه‌های خرداد و تیر ۸۲ شاهد بودیم، رژیم جمهوری اسلامی که موقعیت و موجودیت خود را در معرض خطر جدی یافته است، یورش‌های گسترده‌ای را برای سرکوبی هر گونه صدای حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه در ایران سازمان داده و هزاران مبارز و انقلابی را در سراسر کشور به اسارت خود درآورده و می‌کوشد تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی، ندامت و

دانش‌جویان را شدیداً سرکوب می‌کند و حرکت‌های آزادی‌خواهانه آنان را به خاک و خون می‌کشد. برای نمونه می‌توان به سرکوب وحشیانه دانش‌جویان در تیر ماه ۷۸، اشاره کرد. دانش‌جویان، در این دوره در طول پنج شبانه روز، در مقابل یورش و تهاجم وحشیانه نیروهای انتظامی و انصار حزب‌الله، مبارزه و مقاومت کردند و اکنون نیز با تجربه‌تر و شفاف‌تر از گذشته هم‌چنان به مبارزه خود علیه کلیت رژیم ادامه می‌دهند. سنت مبارزاتی دانش‌جویان در دوره رژیم دیکتاتوری سلطنتی، حمایت از جنبش‌های رادیکال، چپ و کارگری سوسیالیستی بود، در این دوره نیز پیشروان جنبش دانش‌جویی وظیفه سیاسی و اجتماعی دارند که این سنت تاریخی را زنده و تقویت نمایند. یکی از عرصه‌های مهم مبارزات آزادی‌خواهانه جوانان و دانش‌جویان و کل سیستم آموزشی کشور، بر علیه هر گونه تبعیض، آپارتاید جنسی و جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش است. طبیعی است که مذهب باید کاملاً امر خصوصی افراد تلقی شود. از این رو به نفع کل جامعه است که دست مذهب از دخالت در امور دولتی و آموزشی کوتاه گردد.

مسلم است که بدون ارتباط، پیوند و هماهنگی جنبش‌های دیگر از جمله جنبش پیشرو و رادیکال جوانان و دانش‌جویان با جنبش کارگری، دستیابی به جامعه انسانی ناممکن است. از این رو نیاز جامعه طبقاتی و مبارزه اجتماعی این است که جنبش جوانان و دانش‌جویان با جنبش کارگری در پیوند تنگاتنگ قرار گیرد. فقط از این طریق می‌توان از سر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی راحت شد و حکومت کارگری و شورایی بر پا کرد. حکومتی که آزادی‌های فردی و جمعی را تضمین می‌کند؛ امکانات اجتماعی را به طور برابر و یکسان بین شهروندان توزیع می‌نماید؛ به سرکوب و خشونت، تهدید و ترور، اختناق و سانسور، شکنجه و اعدام و استثمار خاتمه می‌دهد و عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و رفاه همگانی را برای کل شهروندان جامعه به ارمغان می‌آورد.

## جوانان و دانش‌جویان مبارز و انقلابی

ما (اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران)، در هر شرایطی در کنار شما برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های انسانی‌تان هستیم. انتظار جامعه از شما این است که هم‌گام و هم‌دوش با نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، کمونیست و چپ، برای خاتمه دادن به زور و ستم و استثمار انسان از انسان مبارزه‌تان را تشدید کنید. زیرا راه

## اسناد و مصوبات نشست سوم...

یا سکوت نماید.

بقیه از صفحه قبل

زندانیان سیاسی نداشته و در عمل به معنی تضعیف مبارزه انقلابی توده‌های مردم علیه هر شکل از زندان و زندانیان سیاسی است. از نظر ما مسئله اساسی این است که اصولاً نباید کسی را به خاطر عقاید سیاسی و دفاع از آزادی‌های اجتماعی به اسارت کشید. ما خواهان آزادی بیان و تشکل برای همه و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی با هر عقیده و مرام می‌باشیم. از این روست که ما با نفس زندان، زندانیان سیاسی، شکنجه و اعدام مخالف بوده و خواستار در هم شکستن ماشین دولتی سرکوبگر با تمامی ابزارهای ستم‌گری اش هستیم.

\*\*\*

## پیام به طبقه کارگر ایران

## رفقای کارگر!

ما شرکت‌کنندگان در سومین نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ که در اواسط مهرماه ۸۲ برگزار گردید، گرم‌ترین درودهای خود را به شما تقدیم می‌کنیم. شما کارگران زحمتکشی که، در سخت‌ترین شرایط اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برید، اما لحظه‌ای از مبارزه برای کسب حقوق خویش و تلاش برای دستیابی به یک زندگی بهتر و انسانی، باز نایستاده‌اید. شما که در برابر تعرضات مداوم سرمایه‌داران قهرمانانه ایستاده‌اید و مصمم‌اید پیکار خویش علیه زورگویی و ستم و استثمار را تا به آخر دنبال کنید. هزاران اقدام اعتراضی شما، اعتصاب‌ها، راهپیمایی‌ها، تظاهرات‌ها، گردهم‌آیی‌ها، تجمعات اعتراضی و مسدود ساختن خیابان‌ها و جاده‌ها، آن‌هم به رغم حاکم بودن جو سرکوب و خفقان اسلامی و در شرایطی که اعتراض کارگر علیه بی‌حقوقی یا برای کسب حق و حقوق خود («جرم») محسوب می‌شود، آشکارا نشان از عزم و اراده طبقاتی شما در مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر با تمامیت نظام اسارت‌بار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. رفقای کارگر، ما شرکت‌کنندگان در سومین نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ، مبارزات پیگیر حق جویانه و برابری طلبانه شما را عمیقاً ارج می‌نهمیم و در این پیکار طبقاتی خود را جزئی از شما می‌دانیم.

## رفقای کارگر!

جامعه ایران اکنون دچار یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی است. این بحران، ناشی از اوج‌گیری بی‌سابقه تضادهای نظام سرمایه‌داری

زندانیان سیاسی در ایران همیشه به عنوان یک سنگر مقاومت، نمایشگر برشی از مبارزه در درون جامعه بوده و هست. مقاومت و پایداری شما تحت همه شرایط غیرانسانی حاکم بر زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی، بیانگر خواست و اراده مردمی است که دیگر حاضر به تحمل وضع موجود نیستند و علی‌رغم فضای رعب و وحشت سنگینی که رژیم بر جامعه حاکم گردانیده است، از هر طریق ممکن دست به مقاومت و اعتراض می‌زنند. در مقابله با این چنین جنبش رو به رشدی است که زندان به مثابه یک ابزار سرکوب، جهت در هم شکستن و نابودی مبارزین انقلابی و کمونیست و آزادی‌خواه به میزان بس عظیمی توسط رژیم به خدمت گرفته می‌شود. ما یک‌بار در تابستان سال ۶۷ شاهد بودیم که چگونه رژیم پس از سال‌ها اعمال فشار روحی و جسمی بر زندانیان سیاسی، شکست خورده در تحقق اهداف توسعه طلبانه خود و ناتوان از در هم شکستن مقاومت مبارزین زندانی، تصمیم به گسترار دسته جمعی زندانیان سیاسی گرفت. این واقعه نشان می‌دهد، در هنگامی که رژیم در وضعیتی شکننده قرار می‌گیرد و موجودیت خود را در معرض خطر می‌بیند، امکان گسترار زندانیان سیاسی مقاوم و مبارز، یک امر محتمل خواهد بود. به همین دلیل در شرایط کنونی که رژیم تحت فشارهای فزاینده داخلی و بین‌المللی قرار دارد، احتمال گسترار زندانیان سیاسی را نباید دست‌کم گرفت. با این حال روشن است که مبارزین در بند، تنها با پایداری و مقاومت خود است که می‌توانند این سنگر مقاومت و مبارزه پیچیده و دشوار را مستحکم نموده و نقشه‌های رژیم را در درهم شکستن روحیه مبارزاتی در جامعه به شکست بکشانند. در عین حال باید تاکید نمود که نیروهای کمونیست و انقلابی در داخل و خارج از کشور با سازمان دادن یک کمپین مبارزاتی و جلب افکار عمومی داخلی و بین‌المللی بر محور خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی و پشتیبانی از زندانیان سیاسی، می‌توانند نقش بسیار مهمی در افشای رژیم و بازداشتن آن از انجام چنین اقدام جنایت‌کارانه ایفا کنند.

اکنون که هزاران مبارز کمونیست و انقلابی در اسارت رژیم، در شرایط بسیار دشوار و تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند، ما شاهد برپائی حرکتی در دفاع از برخی زندانیان سیاسی وابسته به جریان («اصلاح طلب») حکومتی هستیم. که با عمده کردن آن‌ها عملاً زندانیان کمونیست و مبارز را از شمار زندانیان سیاسی خارج می‌نمایند. این حرکت یک جانبه، محدود و درون گروهی («اصلاح طلبان») حکومتی مفهومی جز مخدوش نمودن مسئله اساسی زندان و



## اسناد و مصوبات نشست سوم...

بقیه از صفحه قبل

کارگران و زحمتکشان قرار داده است، گروه بندی‌های مختلف بورژوازی نیز برای نجات نظام سرمایه داری حاکم، سخت به تکاپو افتاده اند و سعی دارند با آرایش و پیرایش رژیم و طرح شعارها و تغییراتی در محدوده نظام حاکم، جنبش‌های اعتراضی توده‌ای کارگران و سایر زحمتکشان را منحرف سازند و مانع انقلاب و دگرگونی‌های بنیادی شوند.

**رفقای کارگر!**

در برابر این ترفندهای بورژوازی، ما باید هوشیاری خود را دو چندان ساخته و این گونه تلاش‌ها را در هر لباس و پوششی، افشاء کنیم. ما شرکت‌کنندگان در سومین نشست مشترک نیروها و فعالین کمونیست و چپ، ضمن اعلام وفاداری خود به آرمان‌های سوسیالیستی طبقه کارگر، وظیفه خود می‌دانیم توطئه‌های رنگارنگ بورژوازی را برای منحرف نمودن و سرکوب جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خشی سازیم. ما نیروهایی که در اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران گرد آمده‌ایم موضوع محوری کار خود را جنبش طبقاتی کارگران می‌دانیم و وظیفه خود می‌دانیم به منظور ارتقاء سطح آگاهی و شکل‌یابی کارگران، برای تقویت موقعیت طبقه کارگر در جنبش عمومی و نامین هژمونی این طبقه در انقلاب و دگرگونی نظم موجود تلاش کنیم. نظم موجود نظامی سرپا ارتجاعی، ستم‌گرانه و استثمارگری است که جز، نابرابری‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی، جز فقر، بدبختی، گرسنگی، جز بیماری، اعتیاد، فحشاء و ده‌ها مصیبت اجتماعی دیگر از این دست، ارمغان دیگری برای اکثریت مردم زحمتکش جامعه نداشته است. این نظم باید ویران و زیرورو شود. رسالت دگرگونی‌های بنیادی و ریشه‌کن ساختن این مصائب و نابرابری‌ها و نیز بار اصلی مبارزه علیه رژیم حاکم بر دوش طبقه کارگر است. طبقه کارگر می‌تواند و باید پیشاپیش سایر اقشار زحمتکش جامعه، رهبری این پیکار طبقاتی را به دست گیرد و با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری و شوراها کارگران و زحمتکشان، آغازگر پروسه تحولات و دگرگونی‌های بنیادی شود.

\*\*\*

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!****برقرار باد حکومت کارگری!****زنده باد سوسیالیسم!****اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران**

مهر ماه ۱۳۸۲

حاکم بر ایران است. طبقه بورژوازی و دولت پاسدار منافع این طبقه، بار این بحران را بردوش طبقه کارگر انداخته و با تعرض به حقوق کارگران و دست اندازی به سطح معیشت کارگری، بیش‌ترین لطمات و آسیب‌ها را به طبقه کارگر تحمیل نموده است. اجرای سیاست‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، دامنه فشار بر طبقه کارگر را به حد تحمل ناپذیری تشدید نموده است. تعطیل و توقف کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و روند اخراج‌ها و بیکارسازی‌های وسیع همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی هر روز به اقدامات جدیدی علیه کارگران دست می‌زند و مجلس آن نیز قوانین دیگری علیه کارگران و برای محدودتر نمودن حقوق کارگران تصویب می‌کند. میلیون‌ها نفر بیکارند و به صف آن‌ها هر روز اضافه می‌شود. کارگران هنوز شاغل، هیچ‌گونه ضمانت شغلی ندارند و در معرض اخراج و بیکاری‌اند.

قراردادهای موقت به پدیده‌ای رایج و همگانی تبدیل شده است. دستمزدهای کارگری به موقع پرداخت نمی‌شود. در یک کلام تشدید فشار کار و استثمار، تحمیل فقر، گرسنگی و بی‌حقوقی بیش‌تر بر کارگران، پاسخ بورژوازی حاکم به وضعیت موجود بوده است. با این همه، اجرای این سیاست‌های ضد کارگری نیز نظام حاکم را از چنگال بحران رها نساخته است. سیاست‌های هر دو جناح رژیم برای برون رفت از بحران، تماما با شکست روبه‌رو شده است. این بحران، تضادهای درونی هیئت حاکمه را نیز تشدید نموده و شکاف عمیقی در درون دستگاه دولتی پدید آورده است. تداوم و گسترش مبارزات کارگری، تعمیق بیش از پیش نارضایتی توده‌ای که در اعتراضات متعدد سایر اقشار جامعه از جمله دانش‌جویان و جوانان، زنان و معلمان نیز تجلی یافته است، بازتاب چنین وضعیتی و مبین این واقعیت است که اوضاع داخلی، بیش از پیش به زیان رژیم جمهوری اسلامی رقم خورده است. اوضاع جهانی، به ویژه تغییر و تحولات منطقه و اشغال نظامی عراق نیز، جمهوری اسلامی را با مسائل و مشکلات مضاعفی رودررو نموده است. مجموعه اوضاع و شرایط، نشان دهنده این واقعیت است که شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی، آماده‌تر می‌شود. تجربه یک ربع قرن حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده است که این رژیم از حل بحران و از برآوردن حتا ابتدایی‌ترین مطالبات کارگران و سایر اقشار مردم زحمتکش عاجز است.

درست در این لحظات حساس که حل بحران و پاسخ‌گویی به مسائل و معضلات جامعه، راه حل انقلابی و دگرگونی‌های بنیادی را فراروی

## اطلاعیه پایانی

## نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ ایران

امید به تحقق آرمان‌های انسانی کارگری و با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران  
۶ اکتبر ۲۰۰۳

\*\*\*

آدرس سایت اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران:

[www.ettehade-engehelabi.org](http://www.ettehade-engehelabi.org)

آدرس ای مایل:

[info@ettehade-engehelabi.org](mailto:info@ettehade-engehelabi.org)

## چشم اندازهای اتحاد انقلابی نیروهای...

بقیه از صفحه اول

مرکزی که عضو حزب کمونیست ایران نیز هستند در نشست حضوری اعضای شورای مرکزی که برای بررسی پیشنهادات تشکیل شده بود، نقدی بر کل پلاتفرم داشتند و اصولاً تنظیم پلاتفرم را زودرس ارزیابی کردند که چون این نظر رفقا با نظر اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در نشست سوم که به یک پلاتفرم نظر مثبت داشتند و آنرا بتصویب رساندند \_ و خود این رفقا هم در نشست سوم جزو این اکثریت بودند و به آن رای دادند از این رو بررسی و وارد کردن نظرشان در صلاحیت نشست شورای مرکزی نبود که بخواهد در تنظیم نهایی پلاتفرمی که کلیات \_ و ایضا ضرورت آن نیز در نشست سوم تصویب شده بود، نظرات این رفقا را وارد کند. ازینرو قرار شد بحث این رفقا به نشست چهارم اتحاد ارجاع داده شود. اما حتی این رفقا هم اعلام کرده اند که علیرغم اختلاف نظرشان از همکاری و مشارکت در امور اتحاد کوتاهی نخواهند کرد و خود را بخشی از این اتحاد و سهم در سرنوشت و آینده آن می‌دانند. بنابراین نه اختلاف نظر این رفقا و نه اختلاف نظرانی که بین سایر نیروهای عضو این اتحاد وجود داشته و یا می‌تواند در آینده نیز بوجود بیاید، مانعی برای فعالیت ما نبوده و لذا عدم انتشار اسناد تا به این موقع نیز ربطی به این اختلافات نداشته

بقیه در صفحه بعد

سومین اجلاس ((نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ)) با حضور نمایندگان و فعالین ((حزب کمونیست ایران))، ((حزب رنجبران ایران))، ((سازمان اتحاد فدائیان کمونیست))، ((سازمان فدائیان (اقلیت))، ((سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران))، ((هسته اقلیت)) و شمار زیادی از فعالین کمونیست در هفته اول ماه اکتبر ۲۰۰۳ میلادی، کار خود را با یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان سوسیالیسم و آزادی آغاز کرد. ابتدا شورای هماهنگی گزارشی از فعالیت‌های خود را ارائه داد و سپس اجلاس با انتخاب یک هیات رئیسه و تصویب دستور جلسه و آیین‌نامه کار خود را رسماً آغاز نمود.

شرکت‌کنندگان در این نشست دیدگاه‌های خود را در مورد موقعیت سیاسی کنونی در ایران، استراتژی و جهت‌گیری‌های سیاسی، پلاتفرم سیاسی مشترک، ساختار سازمانی، ارزیابی از فعالیت‌های تاکنونی و دورنمای آتی این جمع، حول گزارش و اسنادی که شورای هماهنگی در این زمینه‌ها آماده کرده بود، مورد بحث و بررسی قرار دادند.

شرکت‌کنندگان بر ادامه فعالیت براساس نقاط مشترک تاکید داشته و بر این مبنا نشست در ادامه کار خود یک پلاتفرم سیاسی را با اکثریت قاطع آرا تصویب و تصمیم گرفت که قطعنامه‌هایی در زمینه‌های اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری و جنبش زنان براساس توافقات مندرج در بیانیه نشست اول صادر نماید. سپس اساسنامه ناظر بر فعالیت‌های درونی ((اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران)) که از این پس نشست مشترک تحت این نام فعالیت خواهد کرد، به تصویب رسید.

بعلاوه در مورد انتشار یک نشریه سیاسی \_ خبری تصمیم‌گیری شد و امکانات تبلیغی دیگر (از جمله رادیوی سراسری رو به ایران، سایت خبری اینترنتی) در نشست مطرح و تصمیم‌گیری در این مورد به عهده شورای هماهنگی منتخب سپرده شد.

پس از تصویب این اسناد اجلاس از میان خود ۹ نفر را به عنوان شورای هماهنگی جدید که عبارت بودند از رفقا: عباس سماکار، نصرت تیمورزاده، فرهاد شعبانی، پروین نیک‌آئین، محمد سلطانی، بابک رحیمی، بهرام رحمانی، حسین خاورانی و اصلاں جوادزاده، انتخاب کرد.

اجلاس سوم ((اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران)) پس از ۳ روز کار فشرده در میان احساسات گرم رفیقانه شرکت‌کنندگان با

## چشم اندازهای اتحاد انقلابی نیروهای...

بقیه از صفحه قبل

است. و همانطور که قبلا هم گفتیم اگر کسی یا رفیقی چنین سوءذهنی داشته باشد، درک صحیحی نیست.

نشریه جهان: اگر بتوانیم صحبت شما را جمع بندی کنیم می گوئید اختلاف هست، اما اختلافات مانع نیستند و جلوی رشد این اتحاد را نمی گیرند. در اینجا یک سوال پیش می آید که حدود این اختلافات کجاست و تأثیری که بر این روند خواهند گذاشت را چطور ارزیابی می کنید.

ر. بابک: ببینید اینکه اختلاف هست یک واقعیت اظهر من الشمس است که فهمش احتیاج به درک و ذکاوت سیاسی ویژه ای ندارد. نیروهایی که در این اتحاد هستند، از ستهای مختلف درون جنبش کمونیستی و چپ ایران ریشه می گیرند. ستهایی که در طی سالهای پراکندگی - حال این پراکندگی ها درست باشند یا نه - به هويت هر یک از این جریانها تبدیل شده است. تازه حتی آنهایی که از یک سنت و یک تاریخ مشترک برخوردارند، نیز تگرش های مختلفی نسبت به گذشته شان دارند. یکی ممکن است هویت اش را از تاریخی گرفته باشد که ما همان تاریخ را به نقد کشیده باشیم. یکی دیگر ممکن است آنچه را که ما دلیل شکست مقطعی چپ در دوران بعد از قیام بدانیم، دستاورد سیاسی نظری جنبش در طی این سالها بداند و بخواهد با چنگ و دندان - و ترجیحاً با منطق - از آن دفاع کند.

به نظر من وجود این اختلافات نه تنها مانع رشد این اتحاد نیستند بلکه نقطه قوت ما نیز هستند. اگر بخواهم خیلی کلیشه ای برای این ادعا استدلال کنم شاید تکرار همان جمله معروف ((تکامل مقابله تضادهاست)) بسیار گویا باشد. پاسخ مشخص تر نیز این است که به هر حال این اتحاد اگر قرار است صفت انقلابی برازنده اش باشد، طبعاً نباید خود را جمع جبری سازمانهای بالفعل موجود درون خود بداند. بلکه این نزدیکی و اتحاد ستهای مختلف درون جنبش چپ انقلابی و کمونیستی جامعه باید به رشد کیفی نظری و عملی نیروهایی که خود را در سرنوشت این اتحاد دخیل می دانند خدمت کند. این ممکن نیست مگر اینکه نیروهای درون این اتحاد بتوانند فضایی را برای بحث سیاسی - نظری سالم حول مسایل مورد اختلاف بوجود بیاورند. اینکه حدود این اختلافات کجاست را نیز تنها می توان در عرصه هایی که تا کنون بحث سیاسی بین این جریانها در آن عرصه ها صورت گرفته روشن کرد که از آنجمله اند مسأله برنامه دوران انتقالی پس از انقلاب درک بر سر مسأله ملی و راه حل های آن، مسأله زنان و ارتباط آن با جنبش کارگری و مسایل دیگر. در زمینه های دیگری که اختلاف

می تواند وجود داشته باشد ولی تا به امروز ضرورت پرداختن به آنها وجود نداشته و یا عملاً این کار صورت نگرفته مسأله تعریف طبقه کارگر، درک از سوسیالیسم و... را می توان نام برد که از مسایل پایه ای و اساسی هستند و برای ایجاد وحدت در جنبش کمونیستی باید به آنها پاسخ داد که این کار هم در پروسه ای انجام می پذیرد که آنرا آغاز کرده ایم. اما هنوز این بحث ها بین نیروهای داخل این اتحاد بشکل بنیادی صورت نگرفته، صف بندی ها مشخص نیست و چون اصولی نیست که با پیش داوری نسبت به اختلافات برخورد شود، نباید آنها را در زمره اختلافات دانست.

جهان: در صحبت هایتان تأکید زیادی روی نیروهای داخل این اتحاد دارید. تکلیف آن دسته از نیروهای کمونیست و چپ انقلابی که در خارج از این اتحاد قرار دارند، چیست؟ آیا برای آنها هم در این پروسه جایی در نظر گرفته شده است؟

ر. بابک: من فکر نمی کنم هیچ یک از گرایشات درون این اتحاد خواهان بستن درهای این اتحاد به روی دیگران باشد. برای همین هم در قطعنامه همچنان بر حداقل وجوه مشترک نیروهای شرکت کننده در این اتحاد تأکید شده است تا سایر نیروهایی که با این حداقل ها خود را همخوان می دانند بتوانند به این اتحاد بپیوندند و در سرنوشت آن که به سرنوشت چپ انقلابی و کمونیستهای ایران پیوند خورده است، تأثیر بگذارند. حتی رفقای حزب کمونیست هم که خواهان حذف این حداقل ها از پلاتفرم بودند، چه در نوشته های خود در بولتن های مباحثات و چه در مصاحبه ای که اخیراً یکی از اعضای شورای هماهنگی که عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست نیز هست - رفیق فرهاد شعبانی - با نشریه جهان امروز داشته، روشن کرده اند که خواستشان این است که نیروهای بیشتری به این اتحاد بپیوندند و در تعیین سرنوشت آن شرکت کنند. بنابراین اگر بخواهیم بدون اغراض به درک نیروهای نشست نگاه کنیم روشن است که ما خود را همه کمونیستهای ایران نمی دانیم. اتحاد انقلابی از دید ما ظرفی است که نیروهای چپ و کمونیست - با رعایت آنچه که به عنوان حداقل وجوه مشترک مطرح شده است - را سازماندهی کند. این حداقل ها - مبارزه برای سرنگونی رژیم، در هم شکستن ماشین دولتی، ایجاد حکومت شورایی و مرزبندی با رفرمیسم - برای این است که از یکسری بحث های اسکولاستیکی با نیروهایی که در حرف خود را کمونیست یا چپ انقلابی می دانند ولی در عمل جایگاه دیگری دارند، جلوگیری شود تا

## چشم اندازهای اتحاد انقلابی نیروهای...

بقیه از صفحه قبل

جبری یا مخرج مشترک برنامه‌های جریان‌ها موجود نیست و این خود یک دستاورد متدولوژیک در برخورد به مسایل اجتماعی است. به عنوان مثال در برنامه هیچ یک از سازمانها و احزاب عضو نشست و حتی در برنامه خود ما هم مسأله دفاع از حقوق همجنسگرایان مطرح نشده است، اما نشست روی حقانیت این مبارزه صحنه گذاشت و آنرا به عنوان یک بند در پلاتفرم مطرح کرد. این تنها یک مثال است که نشان‌دهنده تفاوت کیفی اتحاد انقلابی نسبت به برنامه‌های موجود و اتحادها و مذاکراتی که در سطح رهبری جریان‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند در نظر گرفته شود. مثالهای دیگری در زمینه حقوق زنان، حقوق کودکان و غیره را نیز می‌توان به عنوان شاهد این مدعا مطرح کرد. دستاورد دیگر این اتحاد را می‌توان در سبک کار آن دانست. نیروهای اتحاد انقلابی با علم به اختلاف نظرات موجود و اختلافاتی که ممکن است در آینده بوجود بیاید و یا مطرح شود، کارهای مشترکی را در دستور کار خود گذاشته‌اند که مستقیماً به امر تبلیغ، ترویج و سازماندهی مربوط می‌شود. حتی رقاباتی که در گذشته تمام نیرویشان را صرف ((زدودن انحرافات)) می‌کردند و جزو وظایف تشکیلاتی شان ((پالایش)) نظرات مخالف بود، نیز امروز حق فراکسیون را به رسمیت شناخته‌اند و با این گام به جلو امکان شکل‌گیری بحث‌های سازنده و روشن‌گر را در مورد اساسی‌ترین مسایل جنبش کمونیستی و کارگری ایران فراهم کرده‌اند.

اینکه این دستاوردها چه چشم‌اندازی را در مقابل ما قرار خواهد داد، بسته به این است که چقدر به اهمیت این دستاوردها ارج گذاشته شود، چگونه از این متدولوژی در برخورد به سایر مسایل استفاده کنیم و چقدر بتوانیم به موانع پیش‌روی نهادی شدن این متد در منسب سیاسی مان فائق شویم.

جهان : به ارزیابی شما این موانع چه چیزهایی می‌توانند باشند؟  
 ر. بابک: یکی از جان‌سخت‌ترین موانع در راه شکل‌گیری اتحادهای جبهه‌ای در نیروهای چپ انقلابی مسأله سکتاریسم یا سازمانگرایی و... است که ممکن است در نیروهای این اتحاد هم نمود عملی پیدا کند و ازینرو باید برای غلبه بر آن راه حل سیاسی و عملی پیدا کرد. من فکر می‌کنم در نشست سوم از کنار این مسأله راحت گذشت و نشست... هر چند که ما با آن مخالفت کردیم... عضویت در این اتحاد را فردی در نظر گرفت که این مسأله نقش سازمانها و اینکه جایگاه سازمانها در این اتحاد کجاست و سازمانها و احزاب داخل این اتحاد رابطه خود را

نیرویی که در این شرایط حساس باید صرف سازماندهی کمونیستها و چپ‌های انقلابی برای دخالتگری در حیات سیاسی جامعه و ارائه چشم‌انداز به جنبش کارگری و سایر نیروهای انقلابی جامعه شود برای بحث‌ها با نیروهایی که چشم‌آمد به تحولات بورژوازی در ایران بسته‌اند تلف نشود. اگرچه بحث روشن‌گرانه با این نیروها یکی از وظایف کمونیستها است، اما این وظیفه نباید به همه هم و غم ما تبدیل شود.

اما اینکه نیروهایی که در خارج این اتحاد قرار دارند، چه تکلیفی برای خود در نظر می‌گیرند را ما نمی‌توانیم تعیین کنیم. این اتحاد برای این است که نیروهایی که ظرفیت تأثیرپذیری از یکدیگر را در خود احساس کرده‌اند و حداقل آماده‌اند بحث‌های یکدیگر را رفیقانه و با تعمق بشنوند، بتوانند با هم در یک ارتباط سالم قرار بگیرند. اگر نیروهای دیگری نیز وجود دارند که این ظرفیت را دارند، جایشان در کنار ماست. اما به شما قول می‌دهم که حتی نیروهایی که... به هر دلیل... هنوز در این اتحاد شرکت نکرده‌اند اما خود را با چپ انقلابی و جنبش کمونیستی ایران هم سرنوشت می‌دانند، چه بخواهند و چه نخواهند از دستاوردهای این اتحاد بی‌بهره نخواهند ماند و از آن تأثیر خواهند پذیرفت.

جهان : از آینده این اتحاد صحبت می‌کنید و دستاوردهای آن. چه چشم‌اندازی را در این زمینه‌ها می‌بینید؟

ر. بابک: فکر می‌کنم هنوز برای اظهار نظر قطعی در مورد آینده این اتحاد زود است. واقعیت این است که ما هنوز وارد پروسه کار عملی نشده‌ایم و توان یکدیگر را در عمل محک زده‌ایم. هنوز هم گرد و غبار خاطرات تلخ گذشته با آنهایی که در یک سنگر بوده‌ایم و ناروشنی‌هایی در مورد آنهایی که با هم سابقه کار مشترک نداریم، در ذهن همه ما وجود دارد که این نیز خود در ارائه تصویر روشن از چشم‌اندازها بی‌تأثیر نیست. اما در بهترین حالت... که امید من و تلاش ما برای رسیدن به این حالت است... این است که ما بتوانیم در فضایی سالم گرایش‌های مختلف را در فراکسیون‌های سازماندهی کنیم که بر اساس وجوه اشتراک نظری شکل می‌گیرند و نیروهای اتحاد این ظرفیت را داشته باشند که رابطه اصولی‌ای را بین این گرایش‌های مختلف فکری-سیاسی برقرار کند تا چپ انقلابی و کمونیستها بتوانند با تشریح مساعی در روند تحولات تأثیر انقلابی داشته باشند. در سطح کنونی هم موفقیت‌هایی کسب شده که در پلاتفرم کنونی و سبک کار اتحاد انقلابی متبلور است. پلاتفرم کنونی به هیچ وجه جمع



## چشم اندازهای اتحاد انقلابی نیروهای...

بقیه از صفحه قبل

چگونه با اتحاد انقلابی تنظیم می کنند را بی جواب گذاشت. اینکه عواقب این سؤال بی جواب چه خواهد بود را هنوز نمی توان ارزیابی کرد. این بخشاً مربوط می شود به اینکه سازمانها و احزاب تا چه حد برای حفظ منافع «خود» در این اتحاد تلاش کنند و بخشاً اینکه در صورت بروز چنین مسائلی آیا اتحاد انقلابی نسبت به آن با اغماض و یا محفلیسم برخورد خواهد کرد و یا راه حل اصولی خواهد یافت. از دیگر موانعی که می تواند اتحاد انقلابی را سترون کند، گرایش به آکسیونیسم و فعالیت های عملی در خارج کشور است. از آنجا که واقعیت موجود این است که عمده نیروهای این اتحاد در خارج کشور و یا در مرزهای ایران حضور دارند، و از سوی دیگر پلانفرمی نیز تصویب شده است، این خطر وجود دارد که بخشی از رفقا بحث سیاسی\_ نظری را کافی دانسته و در عمل سیاسی \_ آنها در خارج کشور \_ غرق شوند که در اینصورت مضمون کار اتحاد انقلابی بیش از کار پشت جبهه ای در خارج کشور نخواهد بود و در بهترین حالت به فعالیت «افشاگرانه» مشغول خواهد شد و از فعالیت «سازمانگرانه» در رابطه با داخل و خم شدن روی مسائلی که جنبش کارگری در داخل با آن درگیر است، باز خواهد ماند. شورای هماهنگی خوشبختانه به این مسأله برخورد کرد و چند سمینار بحث را \_ در مورد مسایل جنبش کارگری، جنبش زنان و مسأله ملی \_ در دستور گذاشت که در طی سال آینده برگزار شود. اگر این بحث ها با بحث های دیگری در زمینه رشد سرمایه داری در ایران، روند حرکت سرمایه، تأثیرات فراملی شدن سرمایه های امپریالیستی، چشم اندازهای سوسیالیسم در کشورهای مؤخر سرمایه داری و غیره در نشریات تکمیل شود، فکر می کنم اتحاد انقلابی می تواند چشم اندازهای نظری روشنی برای جنبش کارگری در ایران بوجود بیاورد. در غیر اینصورت سطح مطالبات و چشم اندازها در سطح خواسته های بورژوادموکراتیک خواهد ماند و آن تحول انقلابی ای که اتحاد انقلابی برای دستیابی به آن شکل گرفت به آینده ای دوردست موکول خواهد شد.

جهان: با تشکر از شما

## وضعیت نگران کننده کارگران بدست چه کسانی حل شدنی است؟

بعد از مدتها دوندگی اخیراً کارگران منطقه خارک پتروشیمی طی نشست عمومی خود تصمیم گرفته اند در صورتی که به خواست هایشان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد، از طرفی کارگران همین صنایع در اصفهان و خارک بعد از چندین تجمع اعتراضی هنوز به این تصمیم نرسیده اند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان دست به اعتصاب بزنند. این در حالی است که چند روز قبل بخشی از کارگران این سه واحد باتفاق هم در جلوی مجلس تجمع و خواست های خود را مطرح نموده بودند.

علاوه بر آن هم کنون کارگران چندین کارخانه و مراکز صنعتی دیگر در حال اعتصاب و اعتراض به سرمیبرند، هزاران کارگر بعد از ماه ها حقوق خود را دریافت ننموده اند و صدها کارخانه بدلیل مختلف در بحران به سر برده و کارگران و کارکنان آنها در حالت بلاتکلیفی به سرمیبرند.

همانطور که ما در اطلاعیه های قبلی هم مکرراً گفته ایم، مشکل بزرگ کارگران فقدان تشکل مستقل از یکسو و عدم هماهنگی مبارزات از سوی دیگر است، و مادامی که این مشکل از سوی کارگران حل نشود مبارزات و اعتصابات موردی و پراکنده در اوضاع و احوال فعلی مشکلی را حل نخواهد کرد. جای تاسف است که کارگران پتروشیمیهای خارک، اصفهان و اراک با وجود اینکه دارای خواست های مشابه ای هستند اما هنوز نتوانسته اند مبارزات خود را حداقل در محدوده پتروشیمی هماهنگ کنند. تردیدی نیست که این پراکندگی از جمله محصول تلاشها و ترفند های دولت و سرمایه داران است که میدانند اگر کارگران متشکل و متحد شوند آنها قادر به مقابله با خواست هایشان نخواهند بود. از اینرو ما باردیگر از همه کارگران بویژه کارگران صنایع پتروشیمی را به ایجاد فوری کمیته های کارخانه و ایجاد هماهنگی با سایر واحدهای مشابه برای اعلام یک اعتصاب سراسری فرا میخوانیم.

سخنرانی و گفتگو درباره  
جنبش کارگری و مسأله ملی در ایران!  
یدی شیشوانی

زمان: ۲۳ آذرماه ۱۳۸۲ برابر با ۱۴ دسامبر ۲۰۰۳  
ساعت ۲۰ تا ۲۴ بوقت اروپای مرکزی  
محل: اطاق: ایران سوسیالیست فوروم





## پیام تبریک بمناسبت اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج

### سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کارگران و زحمتکشان:

خلفهای تحت ستم ایران:

با اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج سازمان اتحاد فدائیان کمونیست فصلی نوین از مبارزات توده های کارگر و زحمتکش ایران در بند ارتجاع مذهبی حاکم گشوده شده و میدان رزم فدائیان بعنوان پیشتازان جنبش نوین کمونیستی ایران با کیفیتی نوین گسترده و گسترده تر از هر زمان دیگر ارتجاع مذهبی و حکومت استثمارگر سرمایه داران را به مصاف نبردی بی امان می طلبد، میدان رزمی که پشتوانه بیش از چهار دهه مبارزه خونین را بدنبال دارد. کمیته ولایتی کرج سازمان رزم و افتخار، سازمان پر افتخار اتحاد فدائیان کمونیست بر آمده از سازمان عشق و خون چریکهای فدائی خلق ایران، بعنوان ستاره ای تابناک بر تارک جنبش انقلابی و با عظمت فدائی، نویدبخش فصلی نوین از مبارزات پیگیر و پر فراز و نشیب تا پیروزی کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم ایران در زنجیر یعنی برقراری آزادی و سوسیالیسم و برقراری عدالت اجتماعی بعنوان آرمان والایی است که صدها و هزاران فدائی پاکباخته ارزنده ترین گوهر زندگی خویش را در راه تحقق آن فدا کرده و میکنند.

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را بعنوان سرفصلی نوین از تحقق بخشی از مبارزات متشکل کارگران و زحمتکشان ایران به عموم رفقا و توده های در زنجیر میهنمان تبریک میگوید و امیدوار است که اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج موجب گسترده شدن فعالیتهای انقلابی در کرج و شهرستانهای تابعه و در نهایت اعلام موجودیت کمیته های ایالتی و ولایتی در سایر نقاط ایران و شعله ورتز شدن آتش قهر و خشم توده های تحت ستم و استثمار کارگر و زحمتکش میهنمان و پیشتازان پاکباخته فدائی آنان شود.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته کردستان

۴ آذر ۱۳۸۲

نشریه دان اولدوزو شماره ۲ ارگان کمیته ایالتی آذربایجان سازمان به زبان ترکی آذری منتشر شد.

برای دریافت نشریات فوق به سایت سازمان در شبکه اینترنت مراجعه

<http://web.fedayi.org/default.aspx>

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم س.

مصطفی ح.

بهرام ص.

مسئول اجرایی نشریه بهرام ص.

نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

شورای مرکزی

[centralconcil@fedayi.org](mailto:centralconcil@fedayi.org)

هیات سیاسی

[politburo@fedayi.org](mailto:politburo@fedayi.org)

نشریه جهان کمونیستی

[jahan@fedayi.org](mailto:jahan@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org) Azerbaijan committe

امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم